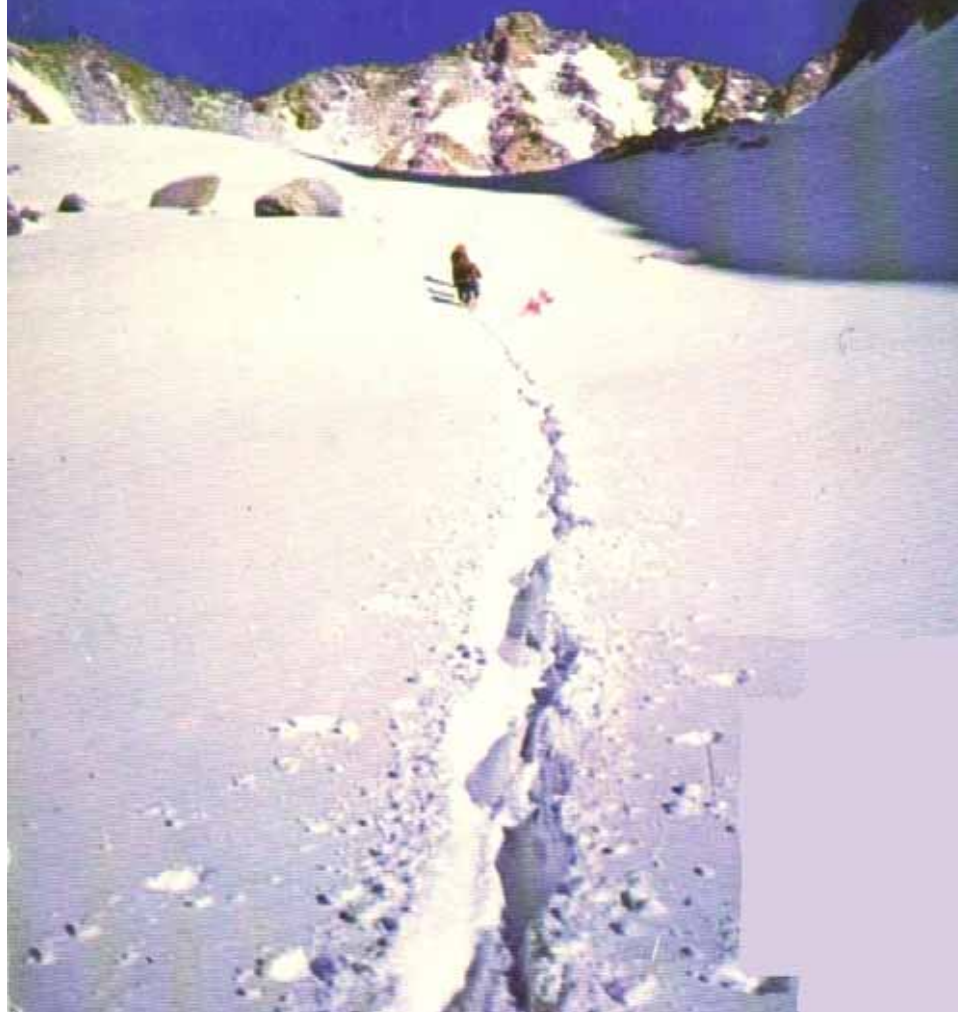


صعود زمستانی



اولین صعود زمستانی

به قله علم کوه

از مسیر گرده آمانها



* نام کتاب : صعود زمستانی

* گردآوری ، تهیه و تنظیم : روابط عمومی فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران

* چاپ اول : پائیز ۱۳۶۴

* تیراژ : پنجهزار جلد

صعود زمستانی به قله علم کوه از مسیر "گرده آلمانها"
۶ بهمن ماه لغایت ۲۳ بهمن ماه ۱۳۶۳
توسط تیم اعزامی از طرف فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران
متشکل از کوهنوردان تهران و تبریز

با تشکر از همکاری آقایان ، جعفر بهزاد نیا - رشید عبداللهی - صفرنقوی

علیمحمد فرضی



از اوائل سال ۱۳۶۳ طرح اجرای برنامه صعود زمستانی به قله "علم کوه" از مسیر "گرده آلمانها" در میان تنی چند از کادر هیئت رئیسه فدراسیون و عده‌ای از کوهنوردان تبریز شکل گرفت .

پس از کامل شدن طرح و مشورت در پیرامون آن ، تعداد نفرات تیم با احتساب دو نفر راهنما به چهارده نفر تخمین زده شد .

در رابطه با دیگر گروه‌های صعودکننده ، تیم ما یک جلسه هماهنگی با گروه مشترک برگزار نمود و قرار بر این شد ، گروه فوق برنامه خود را در روز دیرتر از ما انجام دهد و علت این امر آن بود که میخواستند صعودی مشابه صعود ما انجام دهند .

البته گروه دیگری نیز قصد صعود به قله را از مسیر دیگر داشتند که به علت عدم تلاقی راه‌ها و زمان ، نیازی به هماهنگی دیده نشد .

تدارکات در راس امور قرار دارد. لذا افراد تیم در تهران و تبریز به تهیه این مهم پرداختند.

دوشنبه ۱۳۶۳/۸/۷

وسایل لازم توسط چهار نفر از کوهنوردان تهران و تبریز در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر از فدراسیون کوهنوردی به "رودبارک"^۲ انتقال داده شد و در ساعت ۱۱ بعد از ظهر بارها تخلیه گردید.

سه شنبه ۱۳۶۳/۸/۸

باتمام افراد تیم به ده "رودبارک" رفتیم تا برای تهیه دارو و مواد غذایی و همچنین صحبت با چارواداران، جهت بردن بار به "سَرچال" اقدام نمائیم.

چهارشنبه ۱۳۶۳/۸/۹

در ساعت ۶/۳۰ صبح طبق قرار قبلی، چارواداران^۳ به همراه ۵ قاطر در محل حاضر شدند. پس از سبک و سنگین کردن و بسته بندی بارها در ساعت ۷/۳۰ صبح با افراد تیم و دو نفر راهنمای محلی، قرارگاه "رودبارک"^۴ را به طرف "پناهگاه سرچال" ترک کردیم. تا "وندارین"^۵ برف کم و بیش در مسیر دیده میشد.

ساعت ۱۰/۳۰ صبح "پُل کَلْجَارَان"^۶ را ترک کردیم و مسیر بَطرف "سره کمر"^۷ ادامه یافت. در ساعت ۱۲ ظهر ناهار را در "آب پیت سر"^۸ صرف کردیم.

پس از حرکت به علت برف زیاد افراد مجبور شدند راه را برای عبور

قاطرهابازنمایند. بعدازرسیدن به ابتدای "یال لیزونک"^۹ کارسیاردشوار شد زیرا ارتفاع برف بیش از اندازه‌ای بود که تصور شده بود. باتلاش فراوان در ساعت ۴/۳۰ بعد از ظهر وارد "کاسه زیر پناهگاه سرچال"^{۱۰} شدیم. پس از تخلیه بارها و تسویه حساب با چاروادارها، با وسایل شخصی و مقداری بار به طرف پناهگاه "سرچال" حرکت کردیم و قرار بر این شد تا بقیه بارها روز بعد به پناهگاه حمل شود.

بعد از رسیدن به پناهگاه "سرچال" تعدادی از افراد مشغول تهیه غذا و جای برای شام شدند. که پس از صرف شام بعلت خستگی فراوان خواب خوشی همه را دربر بود.

پنجشنبه ۱۳۶۳/۸/۱۰

بعد از ادای نماز و صرف صبحانه از ساعت ۶/۳۰ الی ۱۰ صبح کلیه بارهائی که در کاسه زیر پناهگاه باقی مانده بود به پناهگاه منتقل گردید. سپس وسائل فنی جدا گردید و تصمیم بر این شد که بارها به گردنه "شانه کوه" انتقال یابد. در ساعت ۱۰/۳۰ صبح ۵ نفر از افراد هر کدام با ۱۲ کیلو بار به سمت "علم چال" حرکت کردند.

ابتدای مسیر، برف کوبی زیادی بهمراه داشت. در ساعت ۱ بعد از ظهر افراد به سکوی "علم چال" رسیدند. هوا بسیار صاف و توام با باد بود. ناهار به صورت سریائی صرف گردید و شیب "گردنه شانه کوه" صعود شد و سپس افراد به ابتدای "گرده" رسیدند.

لوازم فنی، داخل بشکه های پلاستیکی بسته بندی گردید و در میان

سنگها جاسازی شد تا از گزند باد در امان بماند. پس از انجام کار و گرفتن چند عکس و حرکت بطرف سرچال، همگی در ساعت ۶ به پناهگاه رسیدیم. بعد از تهیه و صرف شام نوبت به تعریف خاطرات و گپ های دوستانه رسید و سپس خواب، با این امید که روز بعد به "رودبارک" بازگردیم.

جمعه ۱۳۶۳/۸/۱۱

هنگامیکه آفتاب حیات بخش، اشعه هایش را روی دریای شمال پخش میکرد و سائل شخصی بسته بندی شد و بشکه های حامل مواد غذایی نیز جاسازی گردید. و در ضمن برای هلاکت موشهای "سرچال" مقداری فسفودوزنگ و کمی بیسکویت در اطراف مواد غذایی ریخته شد و همه در ساعت ۸/۳۰ به طرف "رودبارک" حرکت کردیم.

ناهار در "اتاق س^{۱۲}را" صرف شد و در ساعت ۴ بعد از ظهر در "رودبارک" مستقر شدیم.



گامه زیرینامگاه سرچال

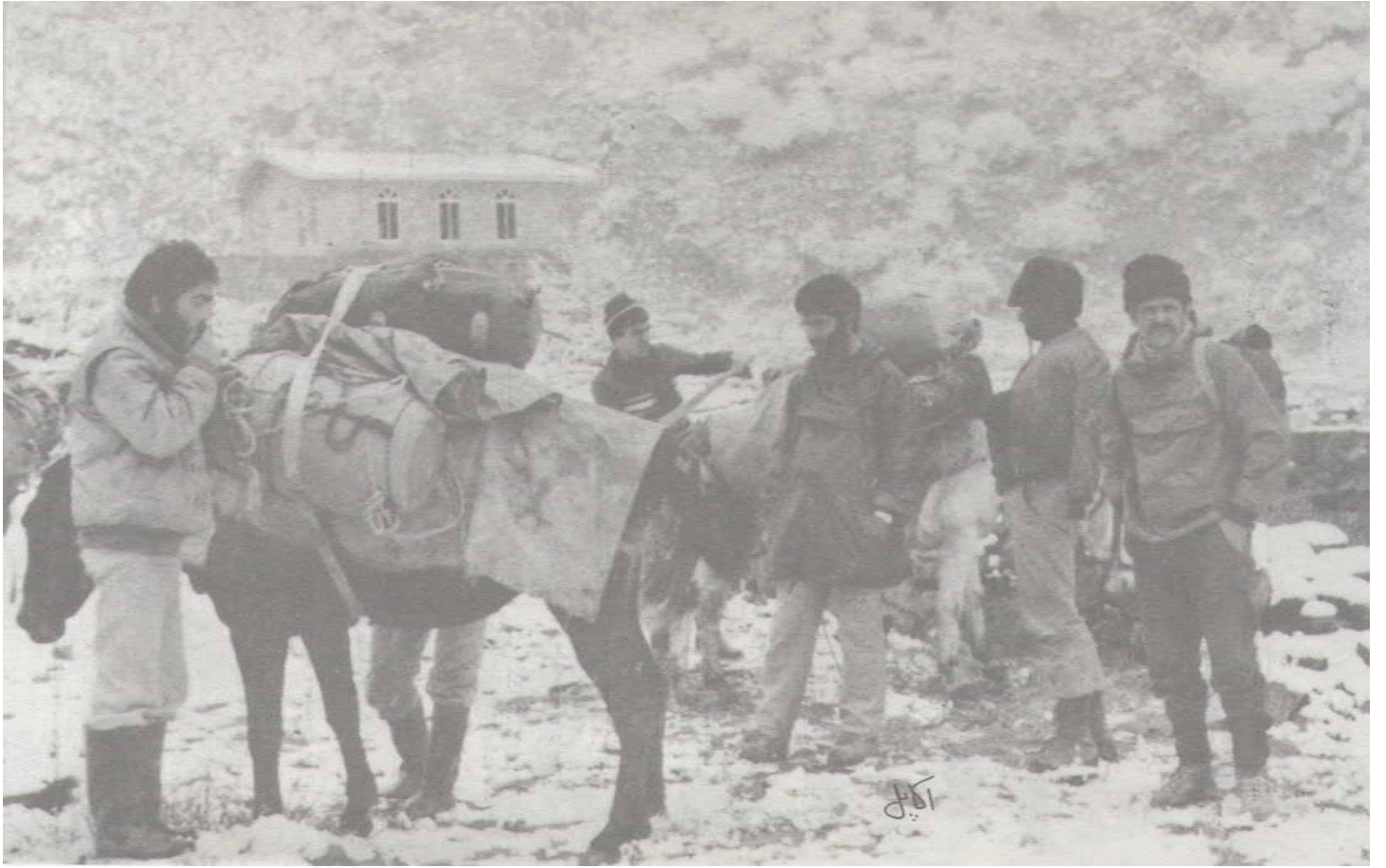
با پایان گرفتن تداکات مرحله اول احتمال داده شد که مواد غذایی برای مدت برنامه و احیاناً زمانهای احتمالی که در رابطه با هوای سرد میباشد تکفون کند. بنابراین اقدام به بردن مجدد غذای اضافی گردید.

۱۳۶۳/۸/۲۳

مواد خوراکی لازم از تهران به "رودبارک" انتقال داده شد.

۱۳۶۳/۸/۲۴

در ساعت ۸ صبح قاطرها بارگیری شدند و با چاروا دارها در مورد بردن بار تا آخرین جایی که امکان پذیر باشد توافق بعمل آمد. در ساعت ۸/۳۰ از



پناهگاه حرکت کردیم و در ساعت ۱۰ به "آکاپل" رسیدیم. در این محل پس از صرف غذا به ادامه مسیر پرداختیم و در ساعت ۱۱/۳۰ از "وَنَدَارِن" گذشتیم. و چون در مسیر تا بستانی هنوز احتمال بهمن داده نمی شد از همان مسیر ادامه دادیم. برف زیادی در مسیر "سره کمر" موجود بود. پس از رسیدن به "آب پیت سرا" و صرف نهار ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر بطرف "کنگلکها"^{۱۳} حرکت کردیم.

در ساعت ۳ بعد از ظهر بعلت برف زیاد و فرورفتن قاطرهای داخل آن و، رم کردن آنها تصمیم به خالی کردن بارها گرفتیم. سپس کوله‌ها برداشته، ۸ نفری به طرف "سرجال" حرکت کردیم. در ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر به پائین "لیزونگ" رسیدیم. برف همچنان می بارید و هواری به تاریکی می رفت. بعلت عدم پیش بینی لازم هیچگونه کلنگ یا باتوم اسکی همراه نداشتیم که این باعث رنج و زحمت ماشه بود. ولی با تلاش فراوان در ساعت ۸/۱۵ بعد از ظهر به بالای "لیزونگ" رسیدیم. در این محل دو نفر از افراد بعلت خستگی زیاد بارهای خود را به زمین گذاشتند تا با وسائل شخصی به پناهگاه بروند و روز بعد بارهایشان را حمل کنند. بعلت ریزش برف و تاریکی هوا یافتن پناهگاه به صورت مشکلی درآمده بود که سه نفر از افراد تیم جهت رسیدن به پناهگاه اقدام به صعود می کنند و پس از مدتی خبر یافتن پناهگاه را به دیگر افراد تیم می دهند. سپس در ساعت ۹/۳۰ همه خسته و کوفته به پناهگاه رسیدیم و پس از انجام کارهای شخصی به خواب سنگینی پناه بردیم.





تدارکات مرحله دوم از کشتی سنگ بالای پیت سرا



تدارکات مرحله دوم شروع بارکشی توسط نفر از ابتدای کنگلک اول

۶۳/۸/۲۵

در ساعت ۹ صبح سه نفر از افراد تیم جهت آوردن بارها و وسائلی که از روز پیش باقی مانده بوده پائین رفتند لیکن به علت ریزش برف سنگین ، وسائل مورد نظر در زیر برف مدفون شده بود که پس از تلاش فراوان موفق به پیدا کردن آن گردیدند و آنها را به پناهگاه منتقل نمودند. در ساعت ۱۲ ظهر با تمامی افراد تیم به طرف "رودبارک" حرکت کردیم که البته در برگشت نیز مسیر، برف کوبی فراوانی بهمراه داشت. و در ساعت ۷ بعد از ظهر با پشت سر گذاشتن تمامی مشکلات به پناهگاه "رودبارک" رسیدیم»
در تهران افراد مختلف بجای آنکه جنبه مثبت صعود ما را در نظر بگیرند، جنبه های منفی آنرا رشد و پرورش میدادند، بجای آنکه با ماهیاری و همفکری کنند بیشتر از تلفات دادن و عدم صعود و اینکه توانائی ما در حدی نیست که بتوان آنجا را صعود نمود سخن بمیان می آوردند، که البته ما بدون هیچگونه ناراحتی تمامی این حرفها را شنیدیم و لب به سخن باز نکردیم .

۶۳/۱۱/۴

در ساعت ۱۰/۳۰ صبح، افراد تیم تیریز با یک مینی بوس به فدراسیون کوهنوردی آمدند. در ساعت ۱ بعد از ظهر افراد تیم تهران و تبریز با دو مینی بوس به طرف "رودبارک" حرکت کردند .
من برای انجام کارهای مربوط به اردوی اسکی ماندم و یکی دیگر از افراد تیم که در اردوی اسکی بود همزمان با افرادی که از تهران حرکت کرده

بودند در ساعت ۹ شب به رودبارک رسیدند. افراد تیم شب راه تقسیم وسائل و حذف وسائل اضافی و تامین وسائل کسری پرداختند که این امر تاپاسی از شب ادامه داشت .

جمعه ۱۳۶۳/۱۱/۵

بعد از انجام کارهای اردوی اسکی در ساعت ۶ صبح به میدان آزادی رسیده و سپس به طرف "مرزن آباد حرکت کردم. پس از رسیدن به "مرزن آباد" بایک وانت به "رودبارک" رفتم و بعد از رسیدن به پناهگاه کوهنوردی وسائلی را که به همراه آورده بوده بین افراد تیم تقسیم کردم. و پس از صرف نهار هرکس با کارهای شخصی خویش خود را سرگرم ساخت. هوا بسیار عالی بود و دمای آن به ۲۰ درجه بالای صفر می رسید.

شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۶

در ساعت ۵/۳۰ پس از ادای نماز و صرف صبحانه، چاروادارها با قاطرها در محل حاضر شدند که بارها راتا "وندارین" حمل کنند. ساعت ۸ صبح چاروادارها زودتر از ما راهی شدند که مانیز پس از انجام مراسم کوتاه (رد شدن از زیر قرآن و گرفتن عکس دسته جمعی و فیلمبرداری و...) از طرف اهالی محل مقداری از راه را بدرقه شدیم. سپس تا آخر جاده ماشین رو راه وسیله یک نیسان طی کردیم. از این محل به بعد بدنبال دو نفر راهنمای محلی با تجربه بنامهای آقایان علی محمد فرضی و رسول نقسوی پیاده روی آغاز گردید.

ساعت ۹/۳۰ به "اکاپل" رسیدیم از اینجا کاملاً راه به سمت دست راست



حمل بار بر سینه قاطرها

پناگاه فلسیون کرجنوری جمهوری اسلامی ایران - رودبارک





بود که یال سمت راست "اکاپل" راصعود کرده و به "اتاق سرا" سرازیر شدیم. و این کار به خاطر عدم برخورد با بهمن هائی بود که درست چپ رودخانه سربج بعد از "اکاپل" روبروی "اتاق سرا" واقع شده، و ما پس از استراحت در "اتاق سرا" دوباره مسیر سمت راست را در کنار شیب یال ادامه دادیم. تا حدود ۳۰ متری "وندارین" در محلی بنام "گزنه نای"^{۱۵} قاطرها بر اثر برف سنگین قادر به پیشروی نبودند. بارها را تخلیه کردیم و در ساعت یک بعد از ظهر بار بردوش به "وندارین" رسیدیم.

با همیزمهایی که از "اتاق سرا" به همراه آورده بودیم آتشی بیا کردیم. و چسای و غذای فراهم شد. چاروا دارها به همراه سرپرست پناهگاه "رودبارک" که تا "وندارین" به همراه ما آمده بودند بازگشتند.

هوای بسیار عالی بود و دمای آن به ۵ درجه بالای صفر میرسد. در ساعت ۹ شب در جلسه ای شرکت کردیم تا در مورد برنامه های فردا تصمیم گیریهای لازم انجام شود. در ضمن مسئول تدارکات و آشپزی در این جلسه مشخص گردید و مسئولیت هدایت تیم تا رسیدن به "سرجال" و صعود به "سرجال" گردنه گرده" بعد از دو رهنما گذاشته شد. و بخاطر پارهای از مسائل قرار بر این شد که نفرات تیم حمله در بالا مشخص شوند.

شب را عده های در هوای آزاد و عده های دیگر در اتاق به صبح رساندند.

یکشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۷

ساعت ۸/۱۵ دقیقه صبح از "وندارین" حرکت کردیم. مسیر صعود ما از سمت راست رودخانه بسود. در طول راه بعلت برف زیاد، گاهی تا



حل بار بوسیده قاطرها



تخلیم بار به عدت عدم پیشروی قاطرما

سینه دربرف فرومیرفتیم . پس از عبور از دوراهی "کَلْجَارَان" وارد شدن از رودخانه ، " یَالِ کُلُومَکْسی"۱۷ را مستقیم به سمت بالا صعود کردیم . ساعت یک بعد از ظهر ناهار را در روی گردنه "کلومکسی" صرف نمودیم و از طرف راست به سمت " سره کمر" حرکت کردیم . بهمن "سره کمر" ریخته و مقداری از آن یخ زده بود و به ما این امکان را میداد تا بتوانیم در بالای بهمن از سمت راست به جهت شیب حرکت نکنیم ، بلکه از قسمت پائین تر بتوانیم بگذریم . در هنگام عبور نفاول همه افراد با سکوت او را همراهی کردند و پس از عبور نفاول بقیه افراد یک ، یک از محل گذشتند . سپس به زیر صخره های "سره کمر" رفتیم و راه را بطرف "کشتی سنگ"۱۸ ادامه دادیم .

در ساعت ۵ بعد از ظهر به محل مورد نظر (کشتی سنگ) رسیدیم . و به مرتب کردن جادر زیر سنگ پرداختیم . عده ای نیز به تهیه غذا و جای مشغول شدند .

هوا بسیار خوب بود و دمای آن در صبح به دو درجه بالای صفر و در عصر به هفت درجه بالای صفر رسید .

دوشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۸

در ساعت ۷/۱۵ دقیقه صبح اولین گروه از "کشتی سنگ" بحرکت درآمدند . و آنرا دور زده و از یال روبرو ، مستقیم بطرف بالا صعود کردند . و پس راه را از سمت راست "پیت سرا" ادامه داده و به بهمن "کنگلک" رسیدند . در اینجا راهنما از قسمت پائین بهمن که شیب خوابیده داشت دور زده و



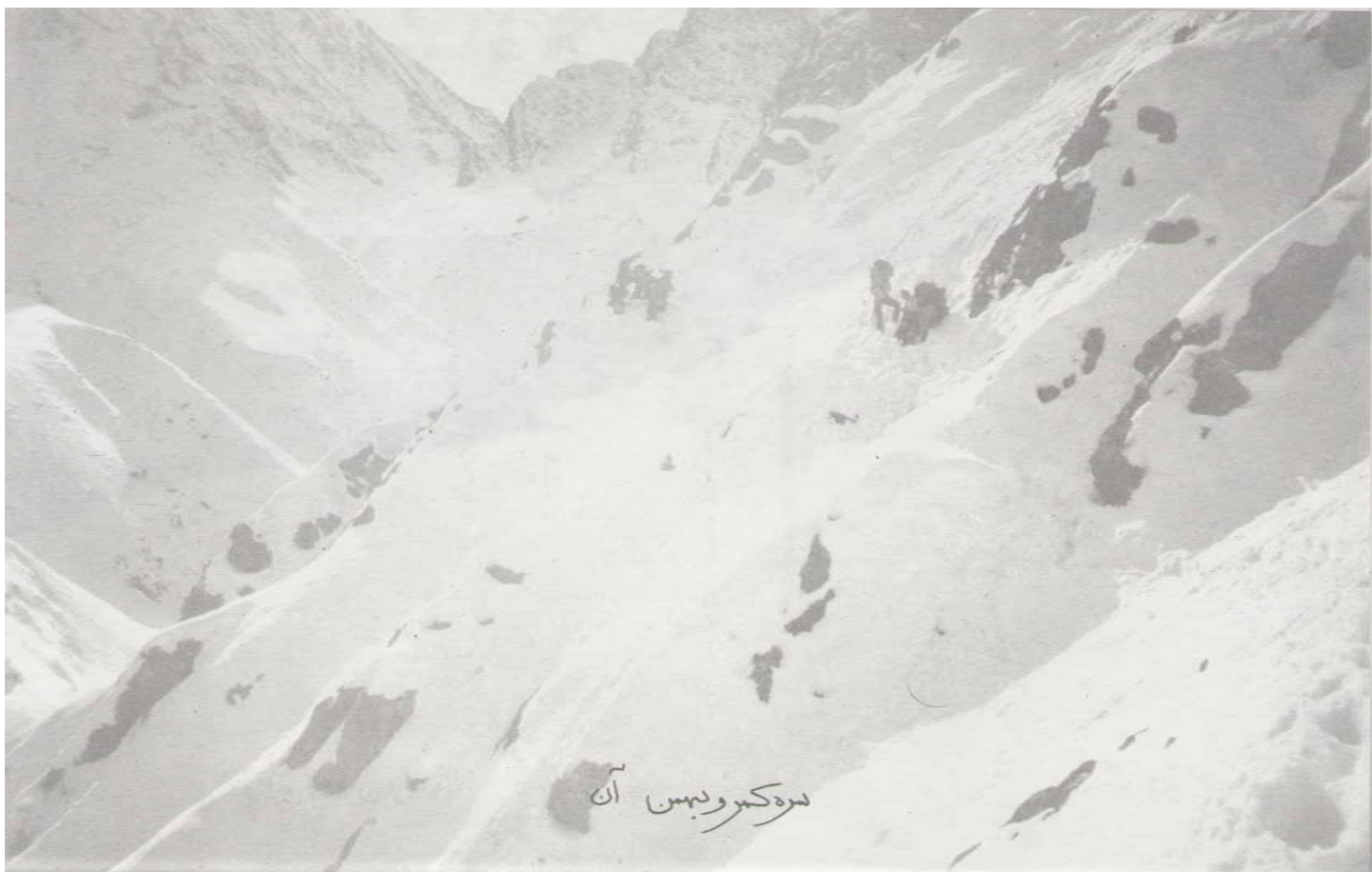
حرکت ازوندارین به سمت کشتی سنگ در سمت راست رودخانه

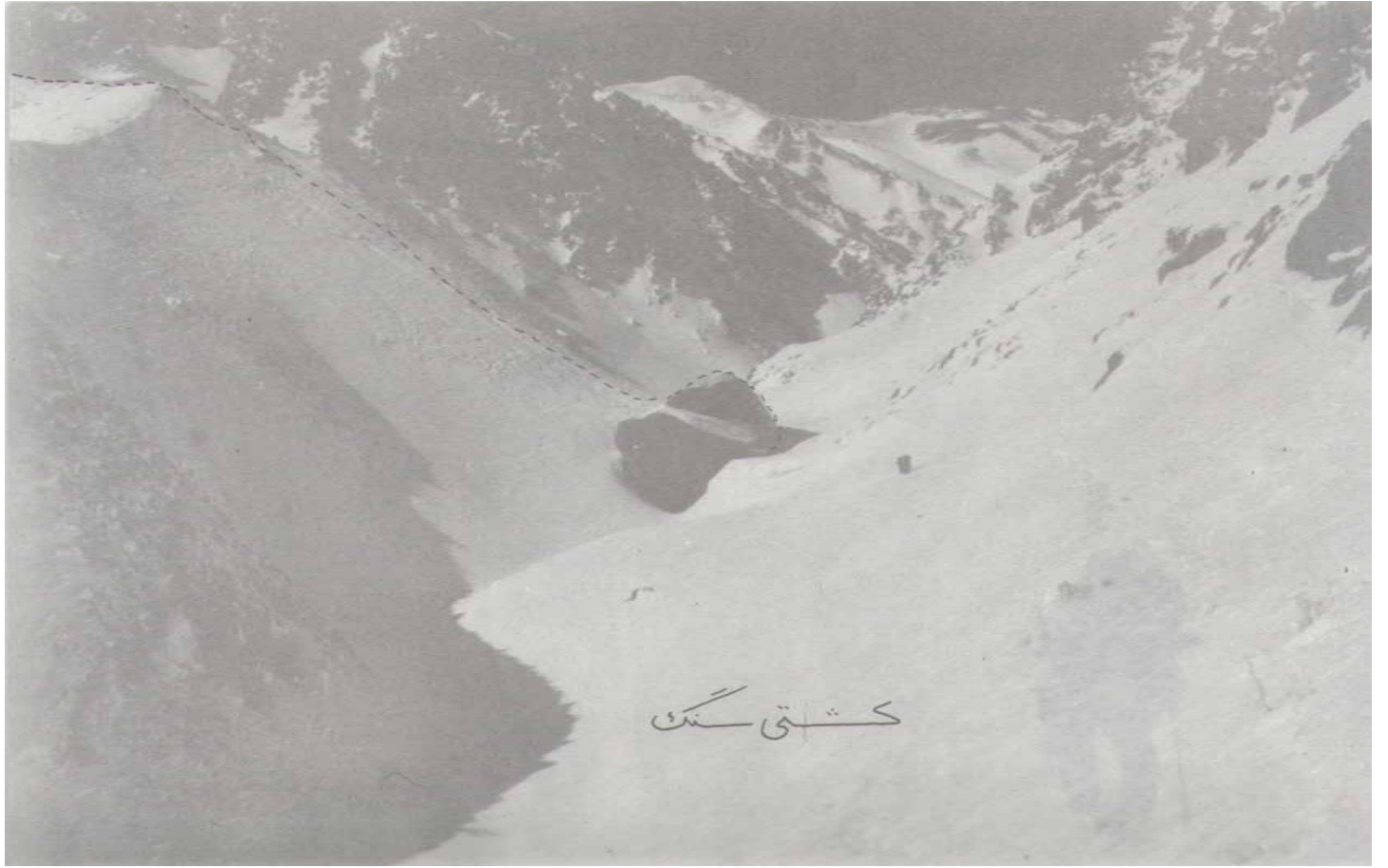


دوراهی کجاوان



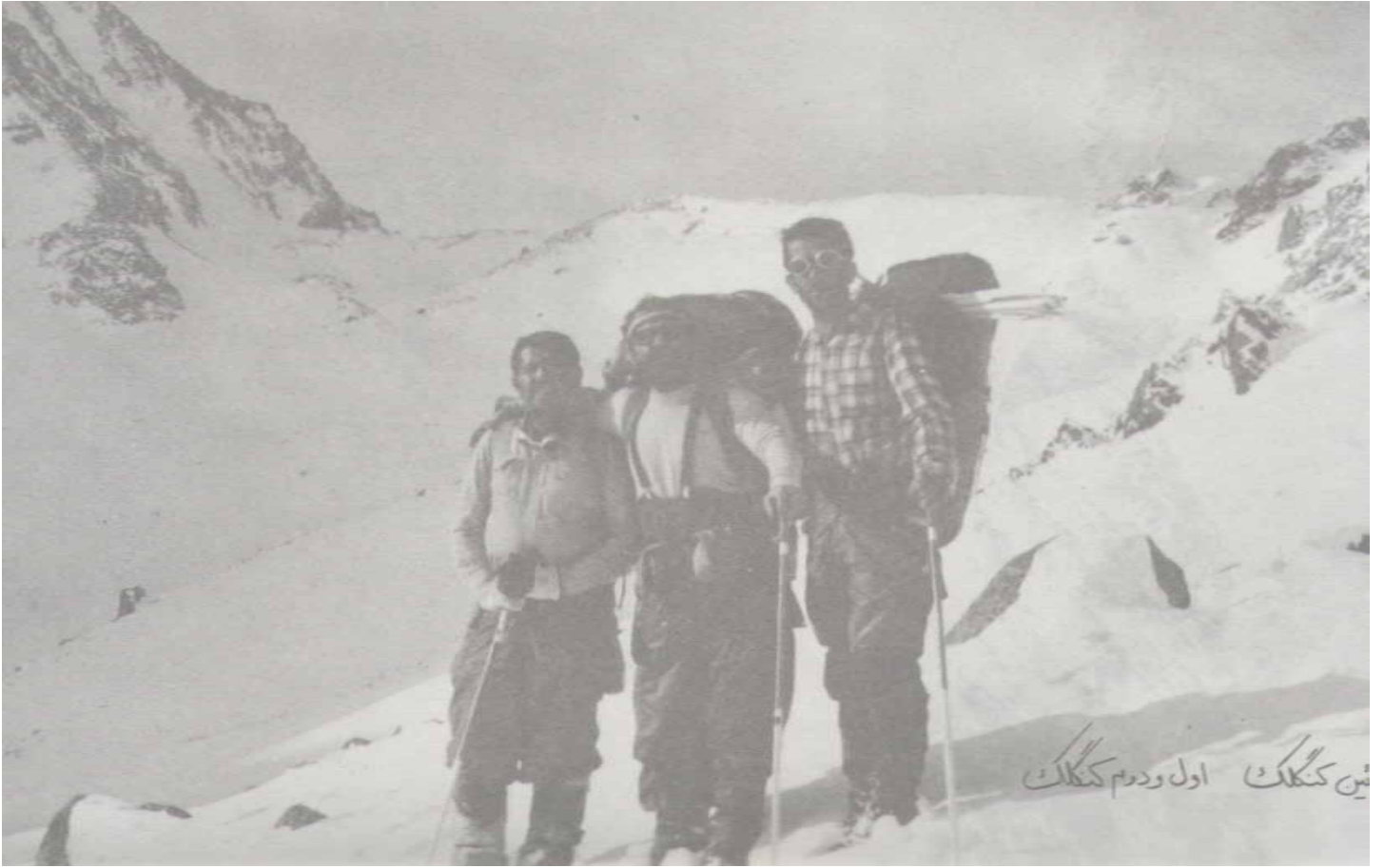
دوراهی کجارجان از نباد





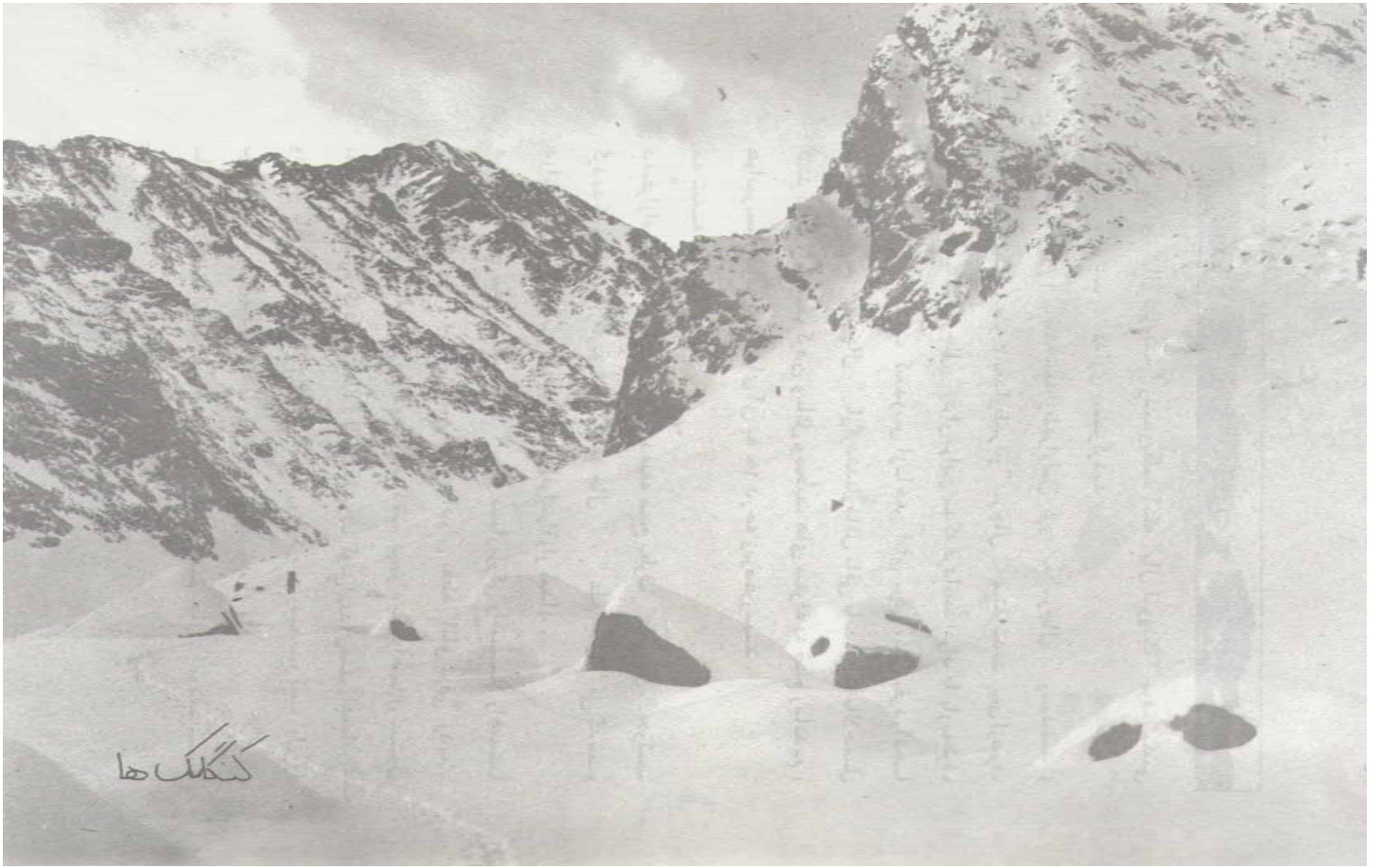
کشتی گن





تین کنٹاک اول و دوم کنٹاک





به ابتدای " یال لیزونک " رسید و بعلت آنکه " یال لیزونک " برف سنگینی نداشت ، سرعت ، مقداری بیشتر گردید .

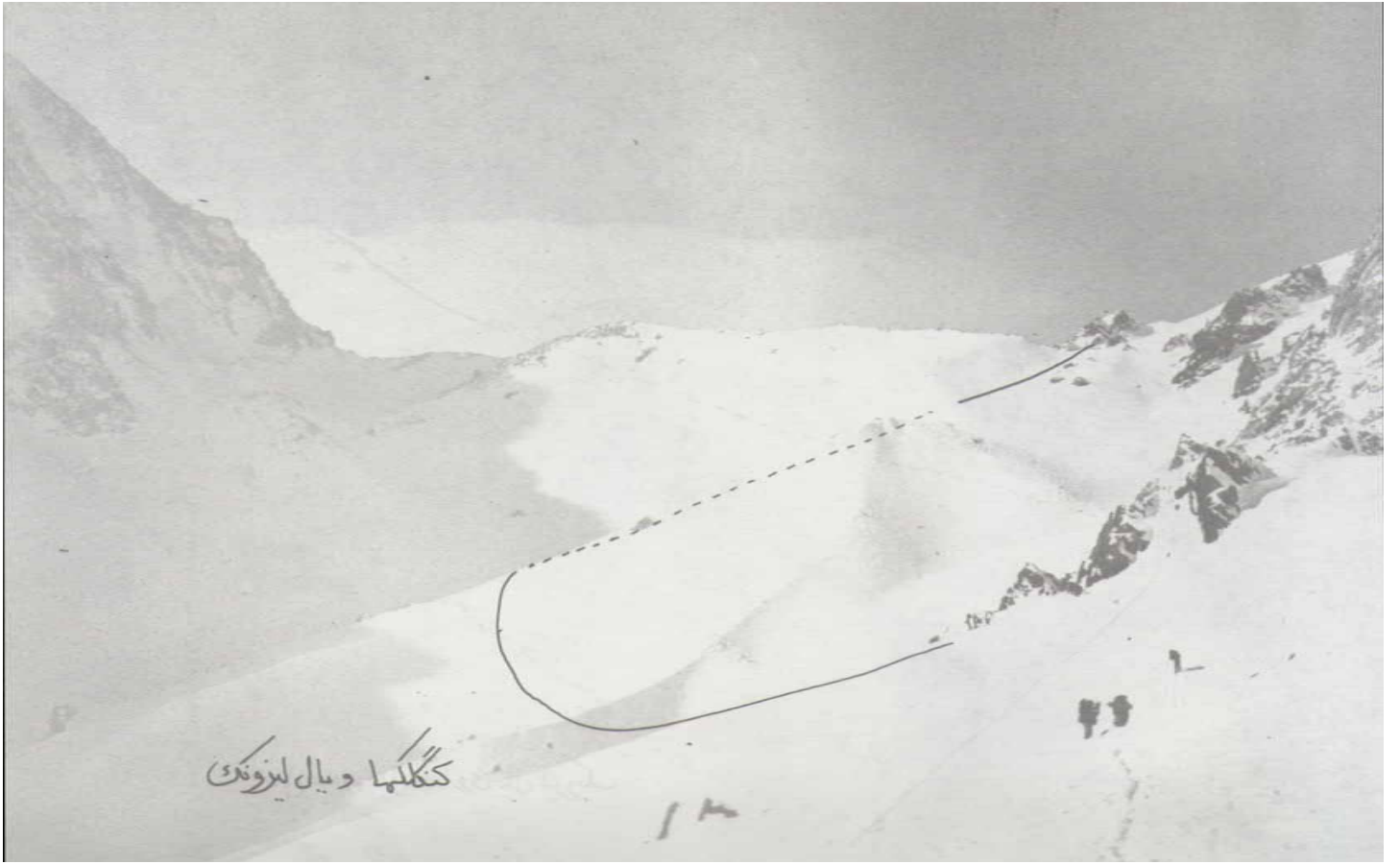
در ساعت ۱/۳۰ دقیقه بعد از ظهر اولین گروه به " سرچال " رسیدند و آخرین گروه در ساعت ۳ بعد از ظهر در " سرچال " مستقر شدند . پس از صرف شام در پناهگاه " سرچال " قرار بر این شد که فردا همه افراد با بار به طرف " علم چال " حرکت کنند و پس از ساختن " اتاق برفی " ، شش نفر در آنجا بمانند و بقیه به " سرچال " بازگردند تا وسائل باقی مانده را به بالا حمل کنند . شب را با خشک کردن وسائل و صحبت های متفرقه به صبح رساندیم . هوانیاز بسیار خوب بود و دمای آن به ۱۰ درجه زیر صفر رسید .

سه شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۹

ده نفر از افراد تیم در ساعت ۸/۱۵ دقیقه صبح بطرف " علم چال " حرکت کردند که مسیر آنها از طریق " میان سه چال " ، " علم چال " می گذشت و در این مسیر برف کوبی بقدری بود که افراد را آزار میداد .

در سیصد متری سکوی " علم چال " سنگ بسیار بزرگی را قبلاً راهنما (علی محمد فرضی^{۱۹}) در نظر گرفته بود که مادر آن نقطه " اتاق برفی " زدیم . در هنگام ساختن اتاق برفی دو نفر از افراد تیم به همراه یک راهنما (رسول نقوی^{۲۱}) عازم گردنه شدند ، که بعد از برف کوبی ابتدای مسیر راهنما برگشت و دو نفر باقی ساعت ۴/۳۰ بعد از ظهر به روی گردنه رسیدند و کمپ اول را برقرار کردند . از ظهر به بعد هوا رو به خرابی رفت .

ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر ، پنج نفر از افرادی که در " علم چال " بودند به

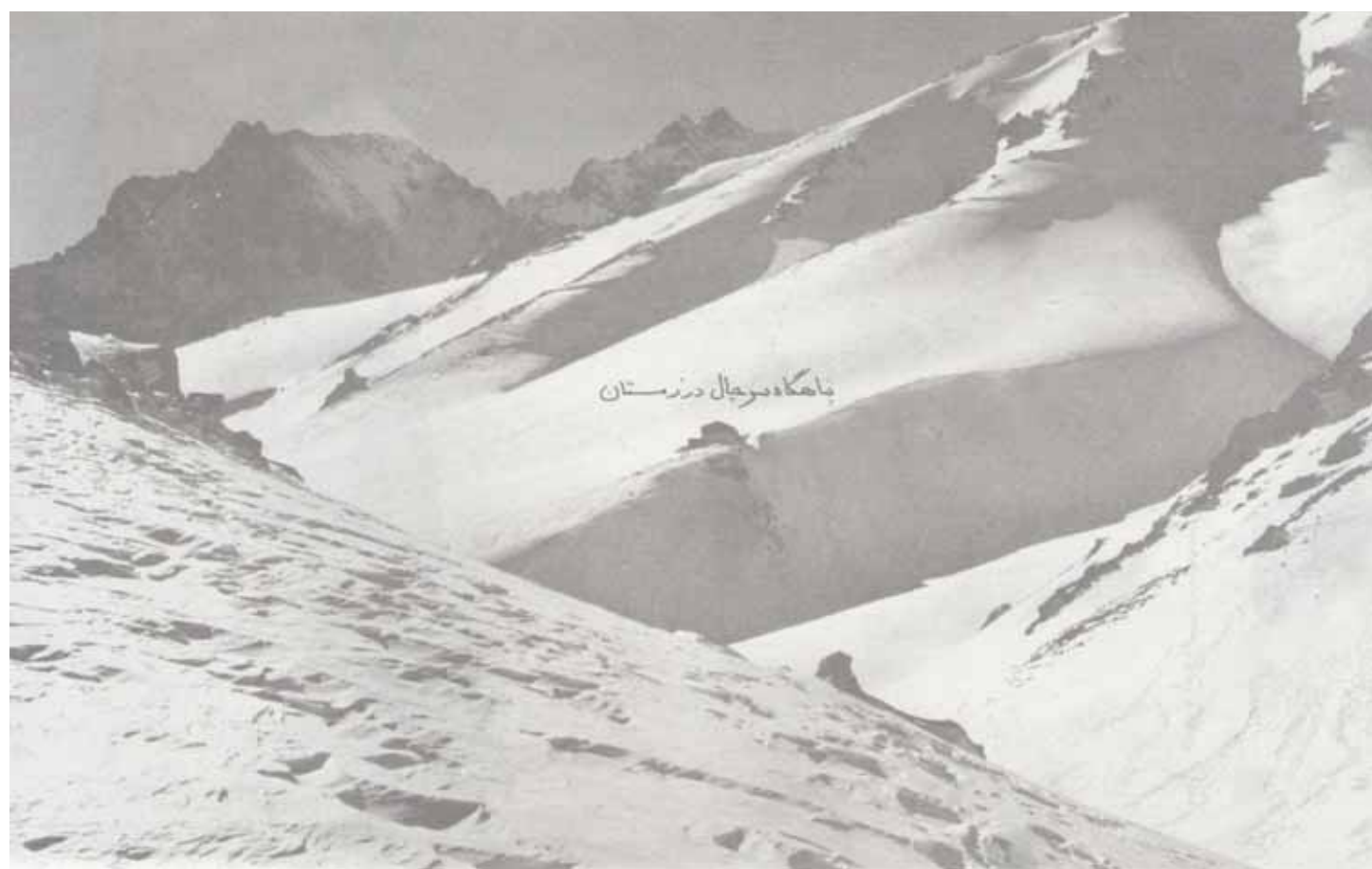




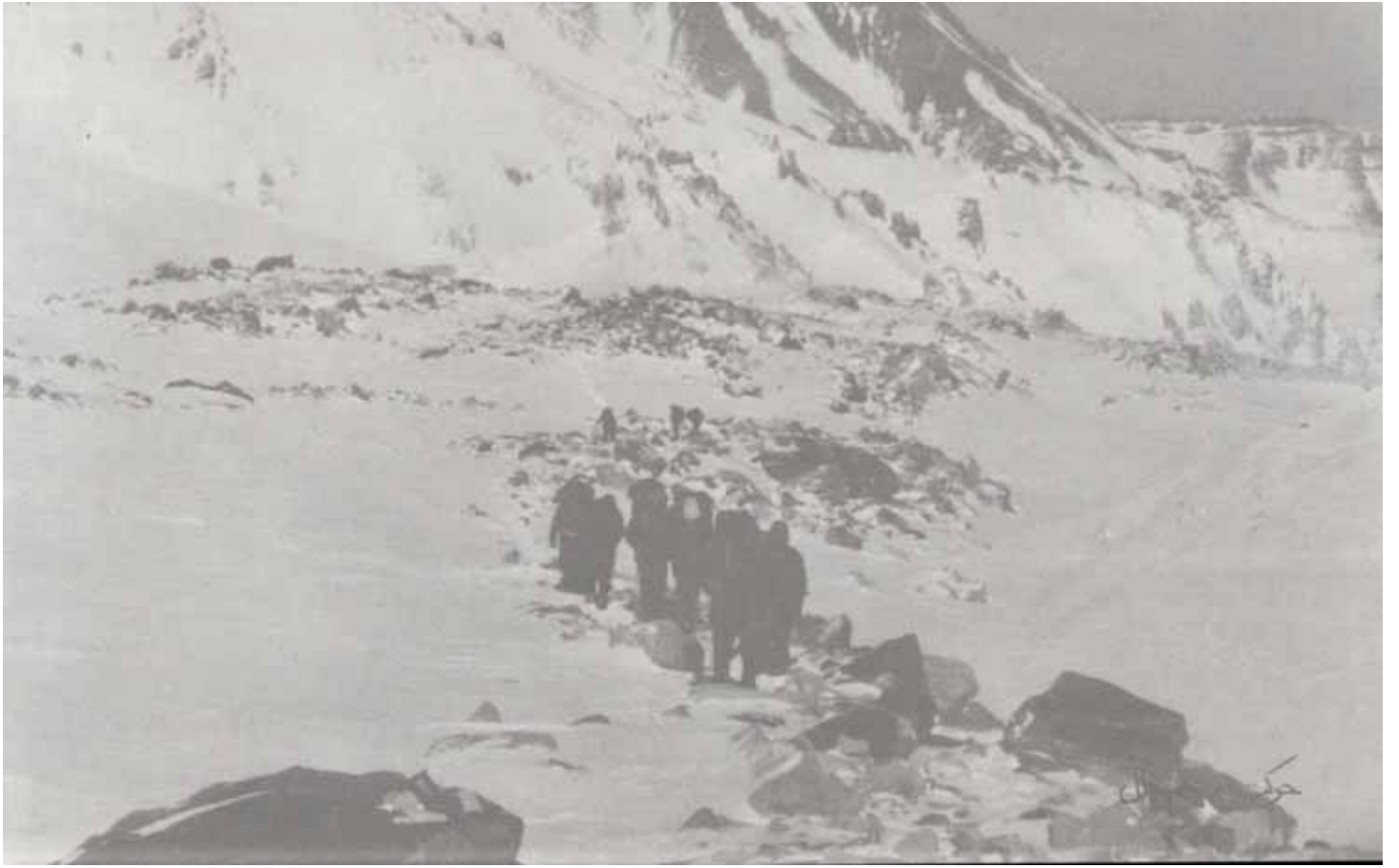
محل صعود افراد از روی نیال لیزونگ



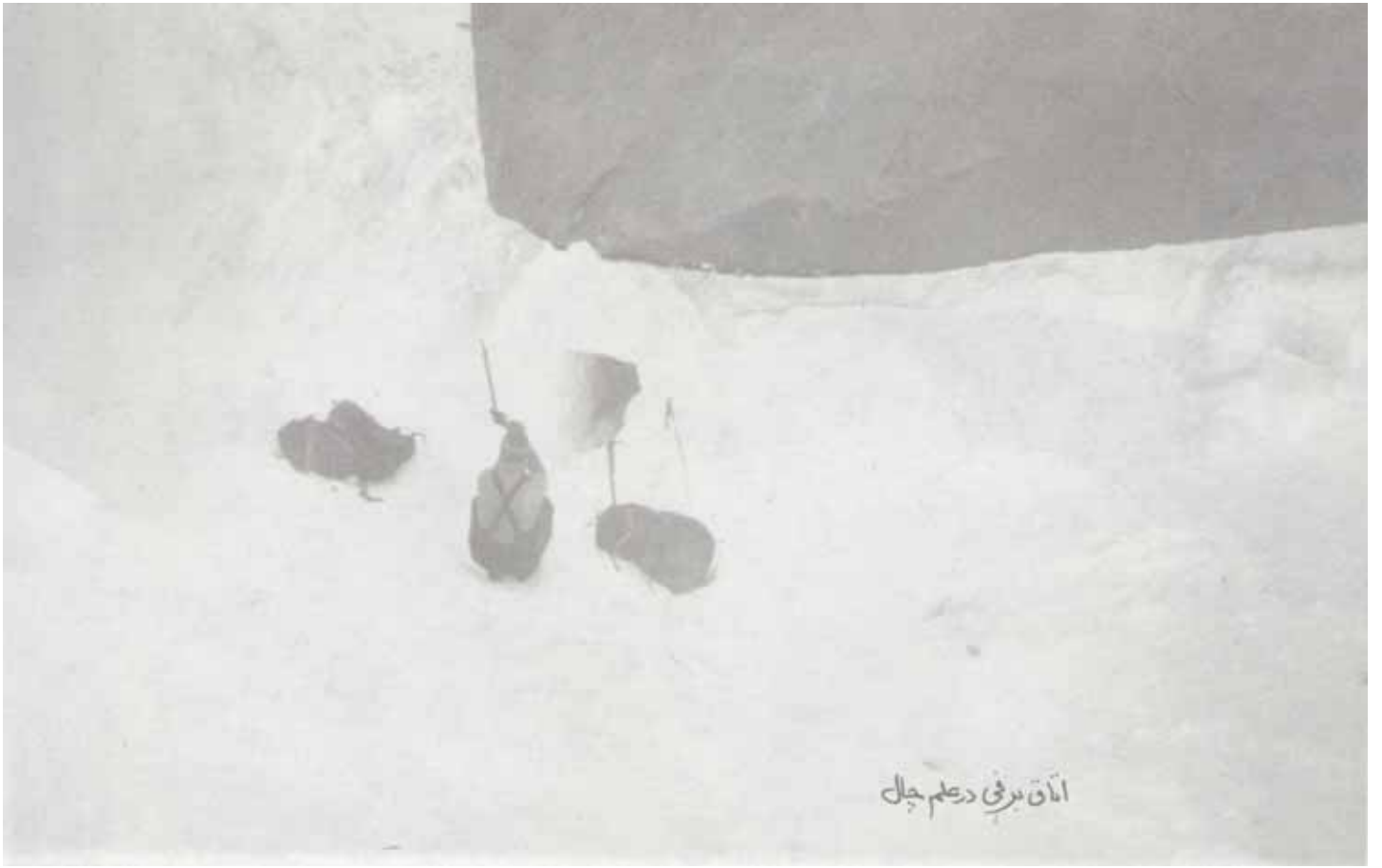
محل صعود لیزونگ در استان



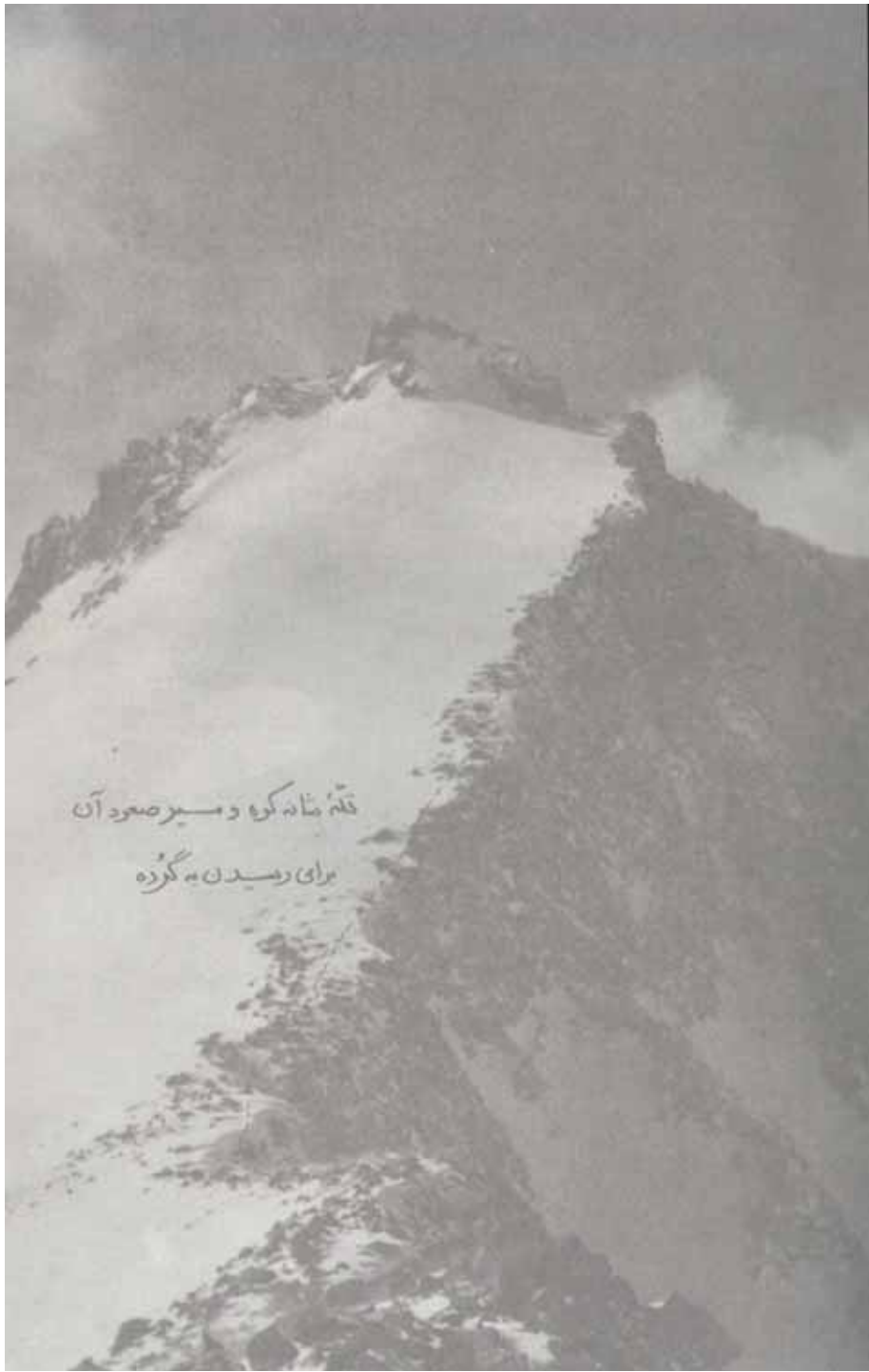








انان برقي دعم جال



قله شاه کوه و میر صعود آن
برای رسیدن به گرده



" سرچال " مراجعت کردند و سه نفر نیز در " علم چال " ماندند. بعلت خرابی هوا افرادی که در پناهگاه مستقر بودند بوسیله بی سیم با " علم چال " تماس حاصل کردند و تصمیم بر آن شد که اگر فردا هوا خوب شد تمام بچه‌ها با حمل بار به " علم چال " حرکت کنند و با بالعکس . البته افرادی که در " علم چال " بودند از وضعیت افراد در روی گردنه با اطلاع بودند .

لازم به تذکر است که راهنمای تیم پیش بینی کرده بود که امروز هوا خراب میشود و علت این امر را چنین بیان کرد : اگر در صبح آفتاب سرخ باشد نشانه تغییر هواست .

در این روز هوای خوبی با ماندن داشت و در ابتدای غروب برودت هوا به ۱۰ درجه زیر صفر و در نیمه شب به سه درجه زیر صفر رسید ، که توام با باریدن برف و طوفان شدید بود .

چهارشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۰

هوا امروز بسیار بد بود ، طی تماسی که با " علم چال " گرفته شد نتیجه تصمیم بر آن شد که بچه‌های روی گردنه به پائین برگردند و همگی به " سرچال " عزیمت کنند. لذا افرادی که در " اتاق برفی " " علم چال " بودند با مقداری بار به طرف گردنه " شانه کوه " حرکت کردند. که بعد از رسیدن به گردنه به وسیله صدای افراد کمپ یک گفته شد که بطرف پائین حرکت کنند .

افرادی که وسائل را به روی گردنه شانه کوه آورده بودند ، آنرا جاسازی کرده

وبطرف " علم چال " حرکت کردند، که افراد روی گردنه "گرده" و افراد روی گردنه "شانهکوه" بطور مجزا به "اتاق برفی" رسیدند. در ضمن سه نفر از افراد مواد غذایی را از " سرچال " به " علم چال " حمل کردند پس از رسیدن به "اتاق برفی" و دیدن افراد، تصمیم بر این شد که این سه نفر در بالا مانده و احیاناً اگر فردا هوا خوب شد کار را شروع کنند. و پنج نفر دیگر که در "علم چال" بودند عازم پناهگاه " سرچال " شدند. هنگامی که بچه‌ها به پناهگاه رسیدند چای گرمی در انتظارشان بود. و پس از صرف شام تدارکات فردا که باید در صورت مساعد بودن هوا به "علم چال" برده شود آماده گردید و هر یک از افراد به کیسه خوابهای خود خزیدند.

درجه دمای هوا از ۹ درجه زیر صفر تا ۱۹ درجه بالای صفر متغیر بود.

پنج شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۱

صبح که جهت ادای نماز بیدار شد م برای اطلاع از وضعیت هوا به بیرون از پناهگاه رفتم و همانگونه که انتظار داشتم هوا برفی بود. در ساعت ۷ صبح طی تماسی با "علم چال" قرار بر این شد که اگر هوا تا ظهر خوب شد آنها به گردنه بروند و افراد از " سرچال " به "علم چال" بیایند.

پس از صرف صبحانه به یک بازی دسته جمعی پرداختیم. هنوز وقت زیادی از بازی نگذشته بود متوجه شدیم سه نفری که در "علم چال" ساکن بودند در حال بازگشت هستند و مانیز به استقبالشان رفتیم و از وضعیت هوا



در "علم چال" جویا شد و مطلع گردیدیم در "علم چال" نیز برف زیادی باریده است .

پس از صرف ناهار دو نفر از افراد تیم اقدام به ساختن محلی برای توالیت در بیرون از پناهگاه کردند . در هنگام غروب همگی دور هم جمع شدیم و به خواندن سرود پرداختیم .

برف همچنان می بارید و درجه برودت هوا به ۱۰ درجه زیر صفر رسید .

جمعه ۱۳۶۳/۱۱/۱۲

صدای وزش باد در شب قبل به حدی بود که مانع خوابیدن افراد گردید و من نیز که در هنگام صبح به جهت ادای نماز از خواب برخاسته بودم وضعیت هوا را خراب تر از دیروز یافتم و اینطور به نظرم رسید که امروز نیز در پناهگاه " سرچال " زندانی طبیعت هستیم .

در ساعت ۱۰/۳۰ هوا کمی روی خوش نشان داد که باعث دلگرمی ما گردید و در میان بچه‌ها این تصمیم شکل گرفت که اگر از ساعت ۱ بعد از ظهر به بعد هوا خوب شد هشت نفر با مقداری بار بطرف " علم چال " حرکت کنند . و نظر دیگر هم این بود که تا مساعد شدن کامل هوا در " سرچال " بمانیم لیکن با وجود این هوا همچنان روبه خرابی رفت . و بچه‌ها خوشحال شدند از آنکه به " علم چال " عزیمت نکردیم .

امروز دو وعده بیشتر غذا نخوردیم چرا که صبح دیر از خواب بیدار شدیم . بعد از ظهر خود را به بازی دسته جمعی مشغول کردیم . شب هنگام سرعت طوفان گاهی آنچنان شدید میشد که تصور میرفت سقف پناهگاه در حال

کنده شدن است .

سرمای هوا ۱۰ درجه زیر صفر بود و برف از میان درزهای پنجره به داخل نفوذ میکرد .

شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۳

صبح پس از ادای نماز به بیرون از پناهگاه رفتم و هوا را همچنان طوفانی دیدم امروز نیز تصمیم براین شد که منتظر هوای خوب بمانیم . هنگام صبح عده‌ای مشغول بازی و عده‌ای مشغول گرفتن عکس و فیلم شدند و امروزمان بهمین منوال سپری شد . درجه هوای نیز ۱۰ درجه زیر صفر بود . شب هنگام به امید هوای خوب به داخل کیسه خوابها پناه بردیم

یکشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۴

امروز صبح پس از ادای نماز هوا را بهتر از روز قبل دیدم و خوبی هوا باعث شد که پس از خوردن یک صبحانه سرپائی به بستن کوله‌ها بپردازیم . لیکن دو راهنمای محلی و یکی از بچه‌ها براین اعتقاد بودند که هوا خوب نیست و بدتر نیز خواهد شد . و ماایل به آمدن به "علم چال" نبودند ولی بخاطر تصمیم گروه ، اقدام به حرکت کردند . ساعت هشت صبح تیم به سه گروه تقسیم شد و حرکت آغاز گردید . (گروه پیشرو ، گروه وسط ، گروه آخر)

پس از مدتی راهپیمائی هوا چهره خود را دگرگون ساخت و باد و کولاک شدید آغاز شد . و در مدتی بسیار کم سر و صورت همه را قندیل و یخ پوشاند و راه رفتن را بسیار مشکل ساخت . گروه آخر تصمیم به برگشت گرفت

برگشت به سرچال

که پس از مدتی بادیدن گروه وسط، علامت داد که ما عازم بازگشت هستیم و گروه وسط پیشرو را خبر داد که پس از تصمیم قطعی برای بازگشت همه افراد تیم به پناهگاه برگشتیم . سرعت طوفان آنچنان زیاد بود که افراد رابه زمین میزد . وجاهای پا دریک لحظه محو میشد .

هیچ روزی هوا به خرابی امروز نبود . پس از صرف ناهار همگی مشغول بازیهای دسته جمعی شدیم و تصمیم براین شد که به هیچ عنوان تا تحصیل هوای خوب به حرکت اقدام نکنیم .

ازاین روز به بعد بخاطر پیش بینی تغییرات جوی به یک سری جیره بندی غذایی پرداختیم .

دوشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۵

پس از ادای نماز و تهیه صبحانه به بیرون از پناهگاه رفتیم هوا همچنان خراب بود .

برنامه جیره بندی غذایی همچنان ادامه داشت زیرا مابعلت خرابی هوا به مواد غذایی که در " علم چال " و کمپ شماره یک بود دسترسی نداشتیم . وقت را امروز به بازی گذراندیم . آقای علی محمد فرضی که یکی از راهنمایان ما بود در حین کشتی محلی ستون فقراتش آسیب دید و دچار ناراحتی شد . ما از امروز به بعد منتظر افراد " گروه مشترک " هستیم . درجه هوا به ۱۳ درجه زیر صفر رسید و مابش زودتر از همیشه به کیسه خواب پناه بردیم .

سه‌شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۶

روزه‌های باد در شب قبل خبر از خرابی هوا میداد و اینکه دوباره باید بجای حرکت به بازی درپناهگاه پرداخت . که مانیزدرپناهگاه ماندیم ودرضمن منتظر "گروه مشترک" .

درساعت یک بعدازظهر انتظار به ثمر نشست و یکی از افرادازینجمله شخصی را دید که بطرف پناهگاه می‌آید . هنگامی که آن شخص به پناهگاه رسید به ما اطلاع داد که بقیه افرادشان در اواخر و اواسط "لیزونک " هستند . بلافاصله شش نفر از بچه‌های ما برای کمک آماده شدند و بطرف پائین سرازیر گشتند و با افراد گروه مشترک^{۲۲} به پناهگاه آمدند که با چای و غذای گرم از آنها پذیرائی شد . با آمدن گروه جدید جنب و جوشی در پناهگاه آغاز گردید . افراد تیم مشترک اقدام به استقرار وسائل خود کردند و ما نیز وسائلمان را جمع و جور کردیم و نیمی از خوابگاه را به آنان اختصاص دادیم .

چهارشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۷

صدای شدید طوفان درساعت پنج صبح مرا از خواب پراند و فکر هوای خوب را از سرم بدر کرد . پس از تهیه صبحانه طبق روال روزهای پیش به بازی و صحبت پرداختیم . درساعت ۲ بعداز ظهر جلسهای در رابطه با شناخت کوه‌ها و شناسائی مناطق برپا شد که بسیار مفید واقع گردید در ساعت ۴ بعدازظهر درجه سرمای هوا به ۲۲ درجه زیر صفر رسید و این امر مایه امیدواری شد که هوا رو به خوبی می‌رود . پس از صرف شام خبر

صاف شدن هوا به بچه‌ها داده شد. که باعث خوشحالی افراد گردید. همگی با امید به هوای خوب در روز بعد به خواب رفتیم.

پنج شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۱۸

صبح پس از برخاستن از خواب و خواندن نماز و تهیه صبحانه و صرف آن، به انتظار هوای خوب نشستیم در ساعت ۱۰ هوا کاملاً صاف شد. گروه مشترک ساعت ۱۱/۳۰ به طرف " علم چال " حرکت کردند و پس از رفتن آنها مشغول بستن بارهای خود شدیم و در ساعت یک بعدازظهر ۱۰ نفر از افراد تیم ما نیز به طرف " علم چال " حرکت کردند. در ساعت ۳/۳۰ بعدازظهر افراد به " علم چال " رسیدند که با وضع غیر منتظره‌ای روبرو شدند و آن خراب شدن " اتاق برفی " بود که در روز دهم بهمن‌ماه ساخته بودیم. افراد بلافاصله اقدام به مرمت آن نمودند که پس از اتمام کار و صرف چای جهت گرم شدن به کیسه‌خوابها رفتند و قرار براین شد که همگی در روز بعد به طرف گردنه حرکت کنند. گروه مشترک در ساعت ۴/۳۰ بعدازظهر پس از ساختن اتاق برفی به " سرچال " مراجعت کردند. امروز نیز گروه سوم^{۳۳} به پناهگاه " سرچال " آمدند. درجه برودت هوا ۱۵ درجه زیر صفر بود.

جمعه ۱۳۶۳/۱۱/۱۹

ساعت ۵/۳۰ از خواب برخاستیم و دیدیم که هوا نسبتاً خوب است. پس از صرف صبحانه دو نفر از افراد تیم با مقداری بار به طرف " علم چال " حرکت کردند. در " علم چال " افراد ساعت ۸/۴۵ صبح



بطرف گردنه حرکت کردند و پس از رسیدن به گردنه "شانه کوه" و " میان سه چال " بارهائی را که حدود ۱۰ روز پیش در اینجا گذاشته بودند تقسیم کردند و راهی گردنه شدند .

در ساعت ۱۲ ظهر سه نفر از افراد تیم جهت نصب طناب ثابت بسرروی گُرده کار را شروع کردند و بوسیله بقیه افراد چادر دومی بر روی گردنه بنا گردید . البته چادری که در ۱۰ روز پیش بر روی گردنه گُرده زده شده بود هنوز پا برجاست بود . چادر که بنا گردید اطراف آن حدود یک متر و نیم بلوک برفی زدند تا از گزند باد در امان بماند . بعد از انجام کار بر روی گردنه، پنج نفر بطرف " علم چال " حرکت کردند . در حین برگشت متوجه شدند که بچه‌ها تا بالای " سرکابی " طناب ثابت گذاشته‌اند و در حال فرود می‌باشند که این افراد در روی گردنه شب راه استراحت گذراندند .

این قضیه ما را بسیار خوشحال نمود و افراد دو گروه دیگر به بچه‌های ما بخاطر اینکه در این کار موفق شده بودند تبریک گفتند .

عصر درجه یُرودت هوا به ۲۰ درجه زیر صفر رسید و هوا به مقدار قابل ملاحظه‌ای خراب شد که توام با باد و طوفان نیز بود .

شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۲۰

ساعت ۶ صبح که از خواب برخاستم هوا بسیار خراب بود بطوریکه وقتی بچه‌های مستقر در " علم چال " از " اتاق برفی " خارج شدند دیدند که برف زیادی باریده و هوا طوفانی است . در این هوای خراب کسی قادر

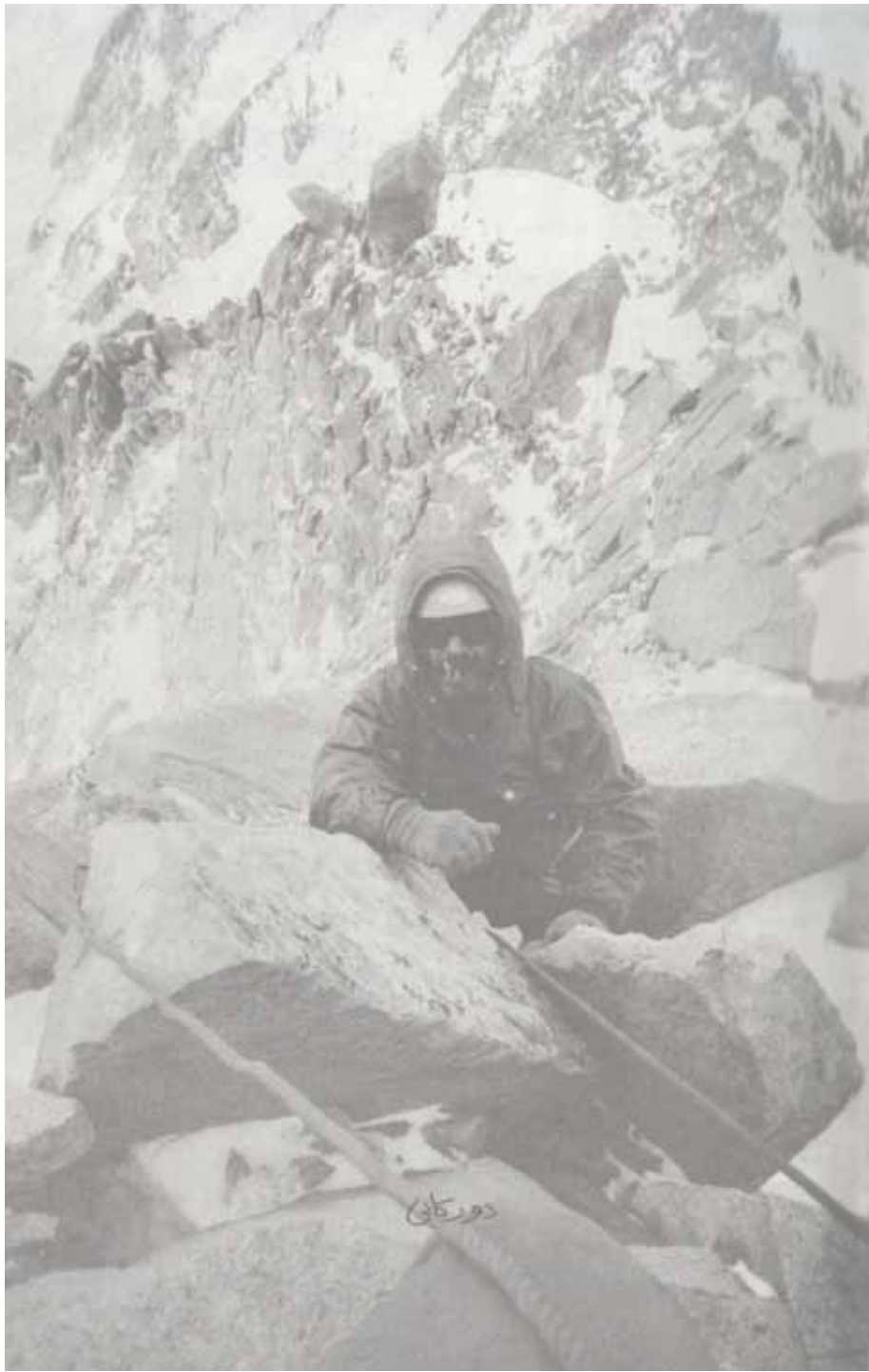


حرکت برای نصب طناب ثابت





فرسیده به سه رکابی



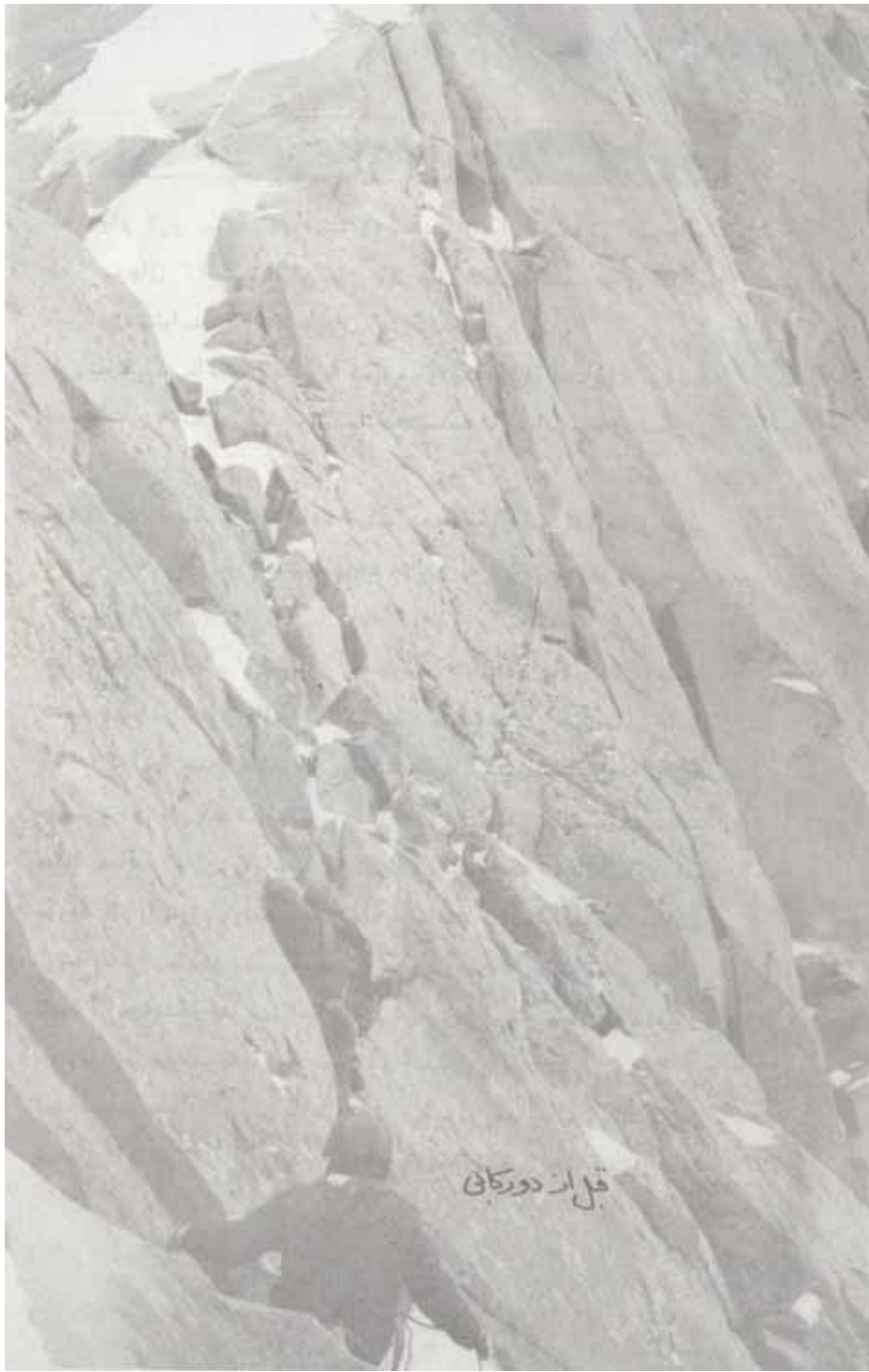


به انجام کاری نبود . در ساعت ۱۱ سه نفر از افراد مستقر در "علم چال" به " سرچال " آمدند تا نان برای بالا حمل کنند که بعلت هوای خراب این افراد نتوانستند به " علم چال " بازگردند طی تماسی که ساعت ۸ صبح با کمپ شماره یک برقرار شد اعلام کردند که حالشان خوب و منتظر هوای مناسب هستند تا بتوانند صعودشان را ادامه دهند .

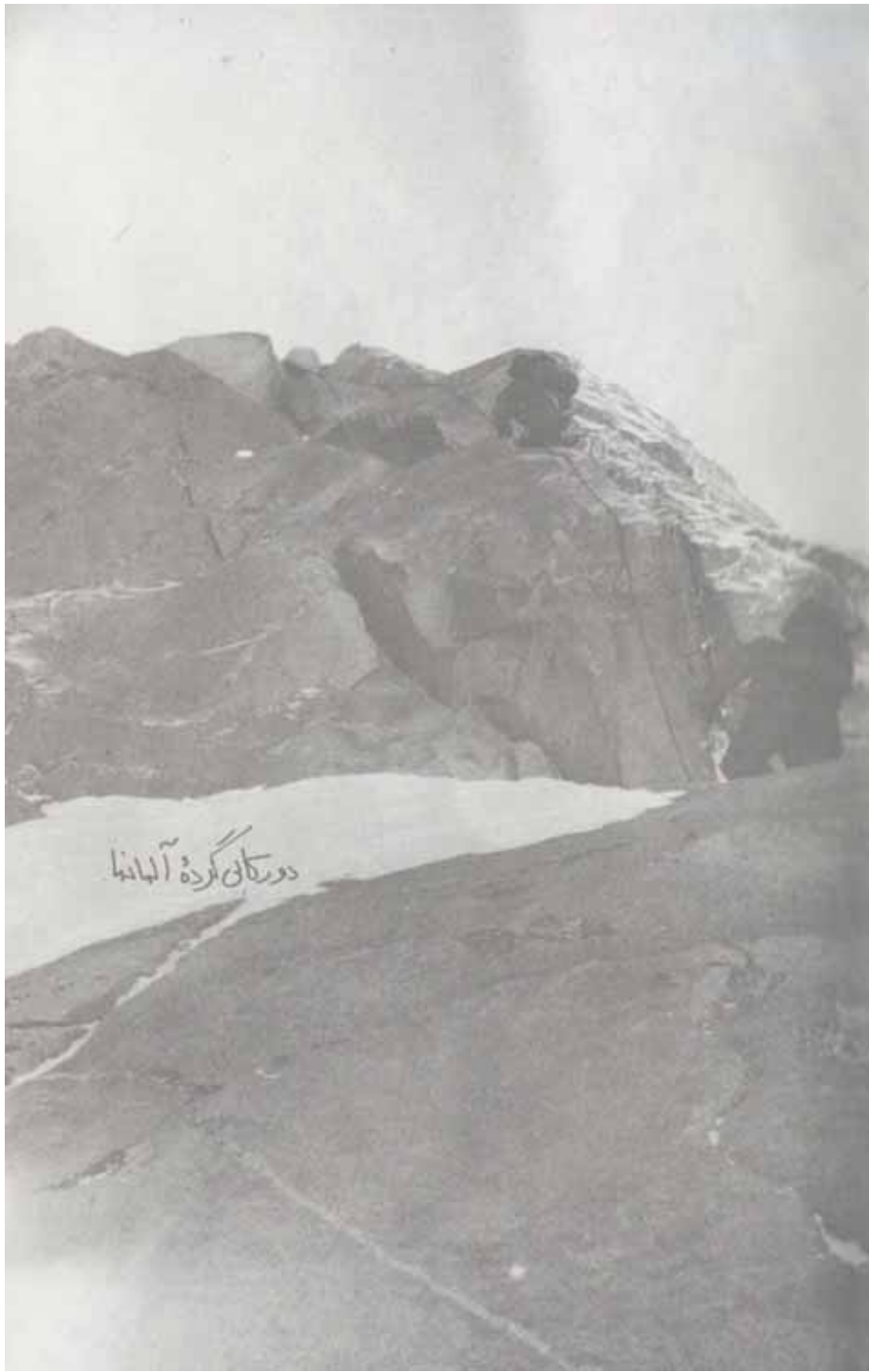
ساعت ۹/۳۰ دقیقه شب آماده خواب شدیم بدان امید که از هوای خوبی در روز بعد برخوردار شویم . درجه هوا نیز به ۱۹ درجه زیر صفر رسید
پگشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۲۱

هوا نسبتاً بد نبود و از قسمت " رودبارک " هوا کاملاً صاف بود در ساعت هشت صبح در " علم چال " با کمپ شماره یک توسط بی سیم تماس حاصل شد که آنها منتظر هوای خوب جهت صعود بودند . سه نفری که روز قبل جهت بردن نان آمده بودند ساعت ۹/۳۰ به " علم چال " رسیدند بعلت مساعد شدن هوا ساعت ۱۲ ظهر افراد تیم حمله که متشکل از ۴ نفر بودند کار را شروع کردند . تیم حمله در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر به بالای " سه رکابی " رسیدند . سپس آنجا را " تراورس " نمودند و با گذراندن طناب ثابت از آنجا میگذرند^{۲۲} . بهنگام رسیدن در نزدیکی " سنگِ سماور " به دهلیزی از یخ بلور برخوردند که با مشکلات زیادی آنجا را رد کردند .

در ساعت ۶ بعد از ظهر طی تماسی که با آنها برقرار شد اعلام کردند که در نزدیکی خط الرأس قرار دارند . در هنگام رسیدن به " سنگ سماور " هوا

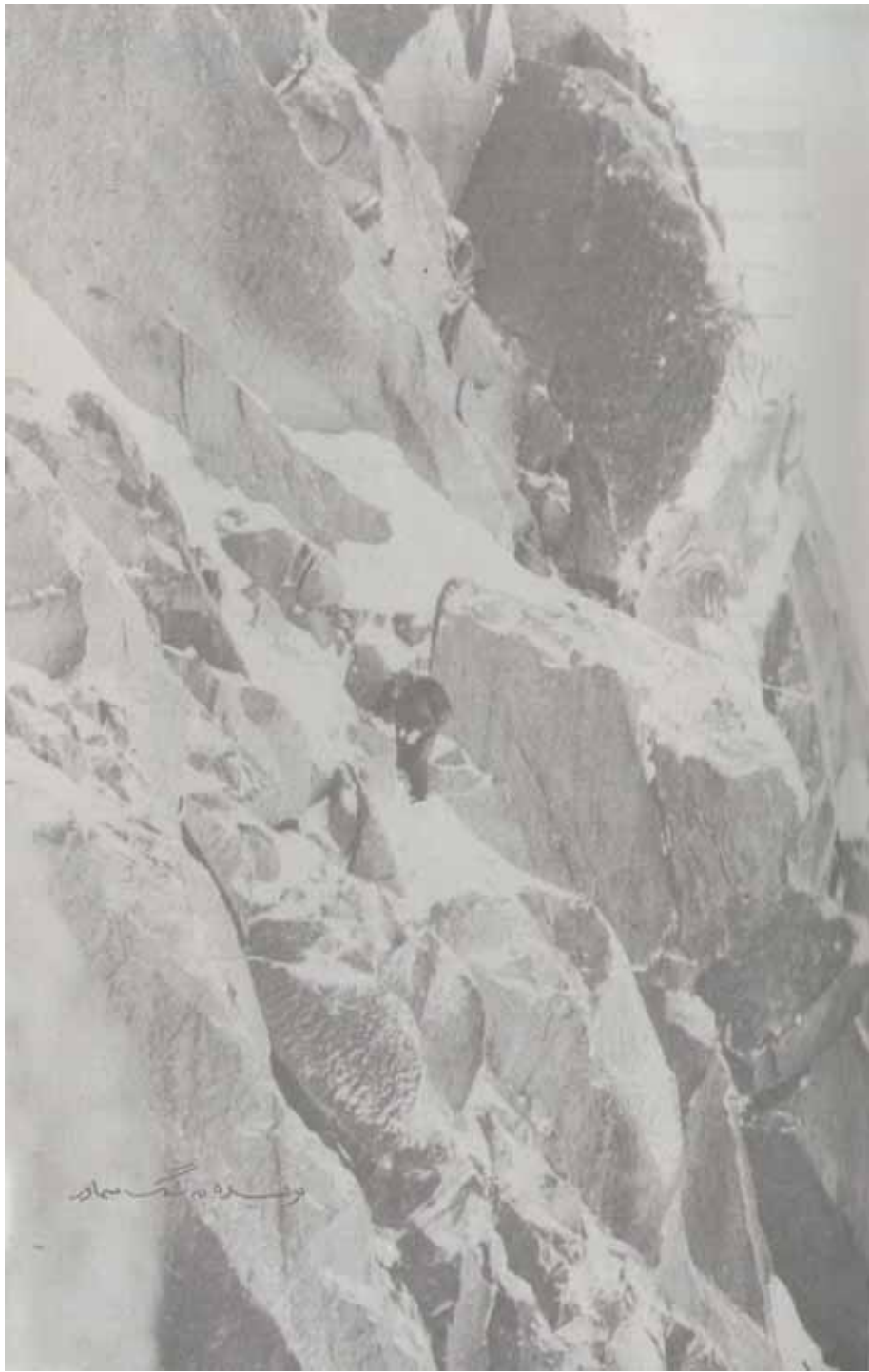


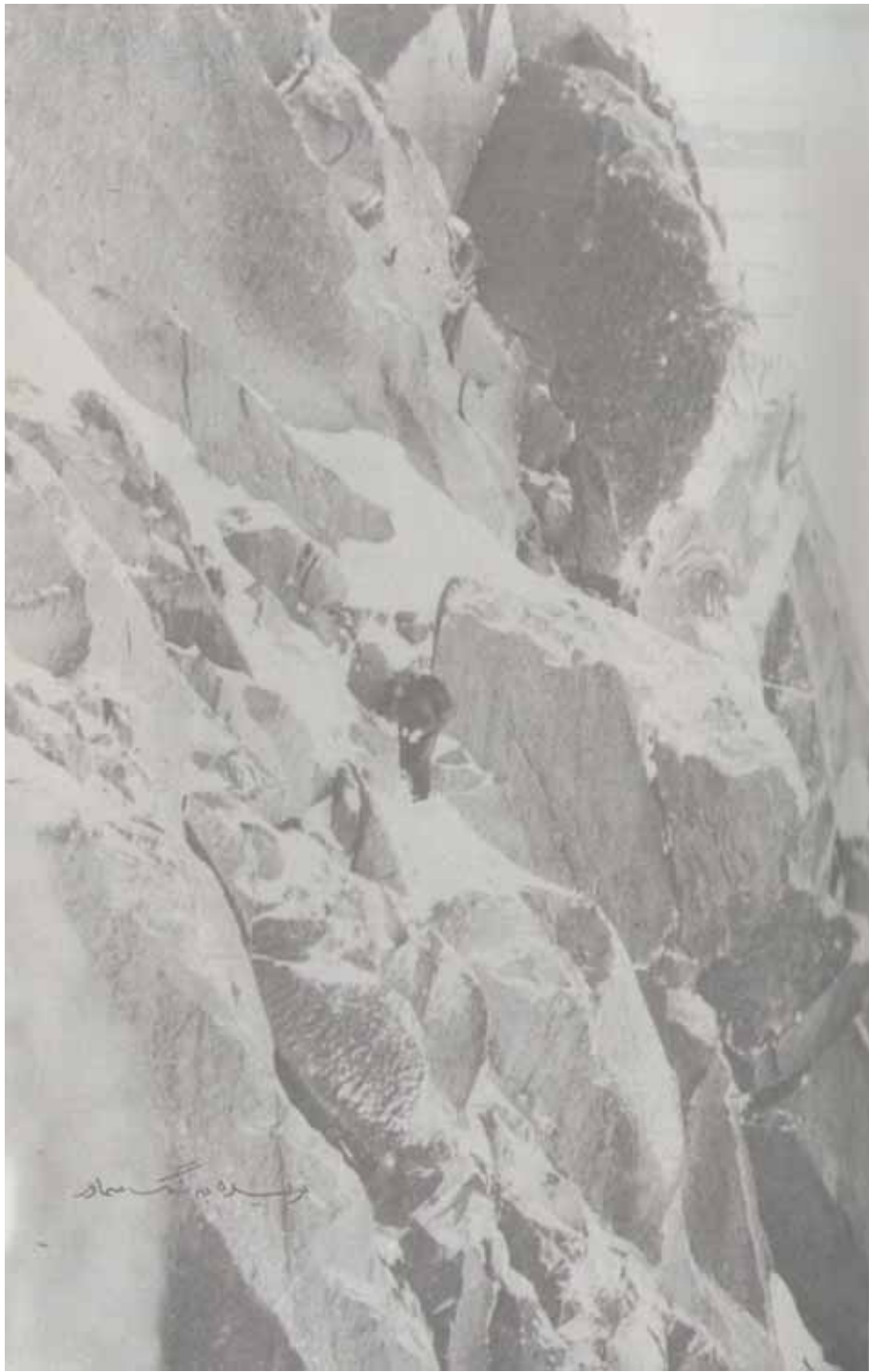
قبل از دورگانی





خیزه سنگ مناور



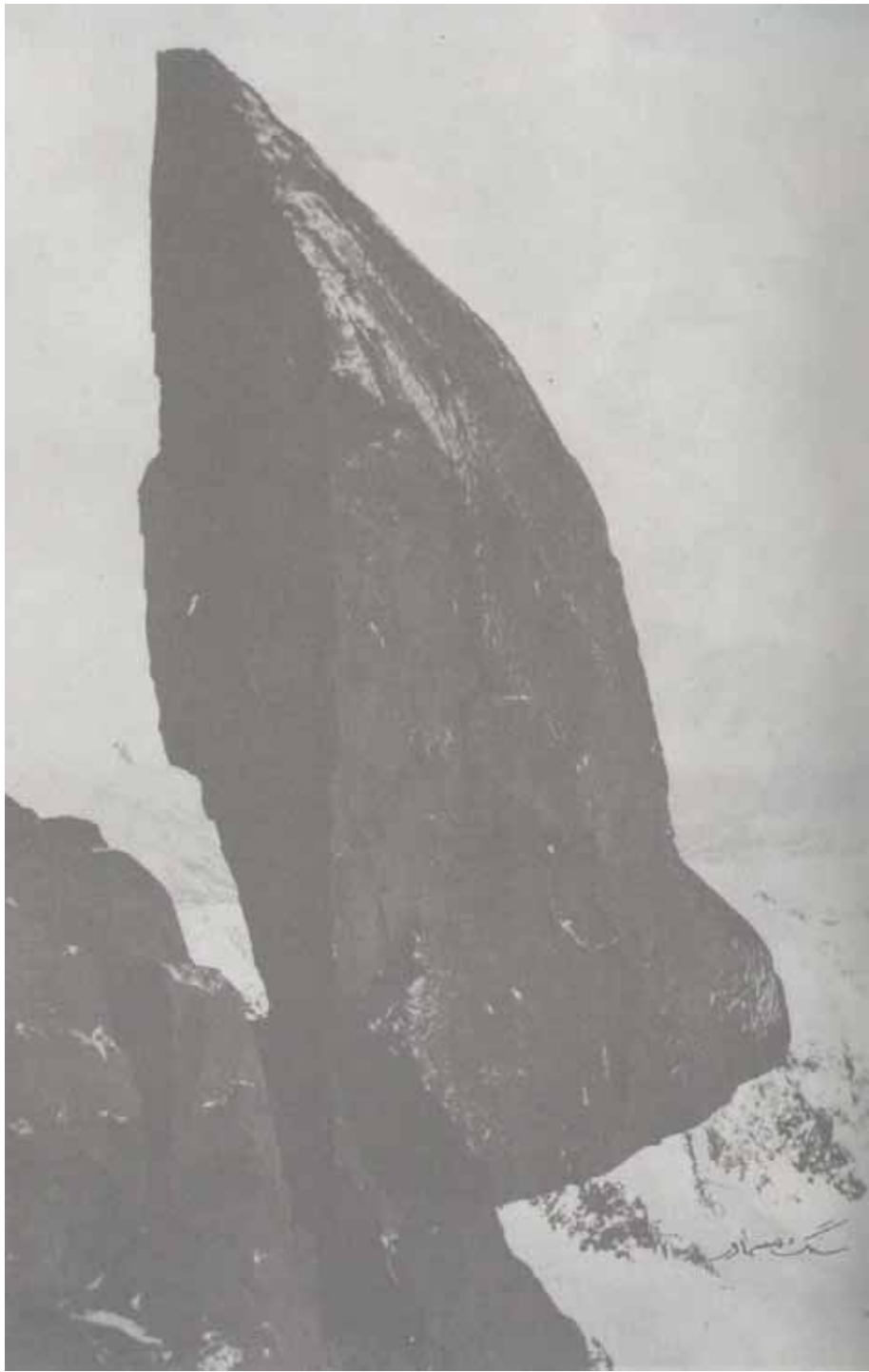


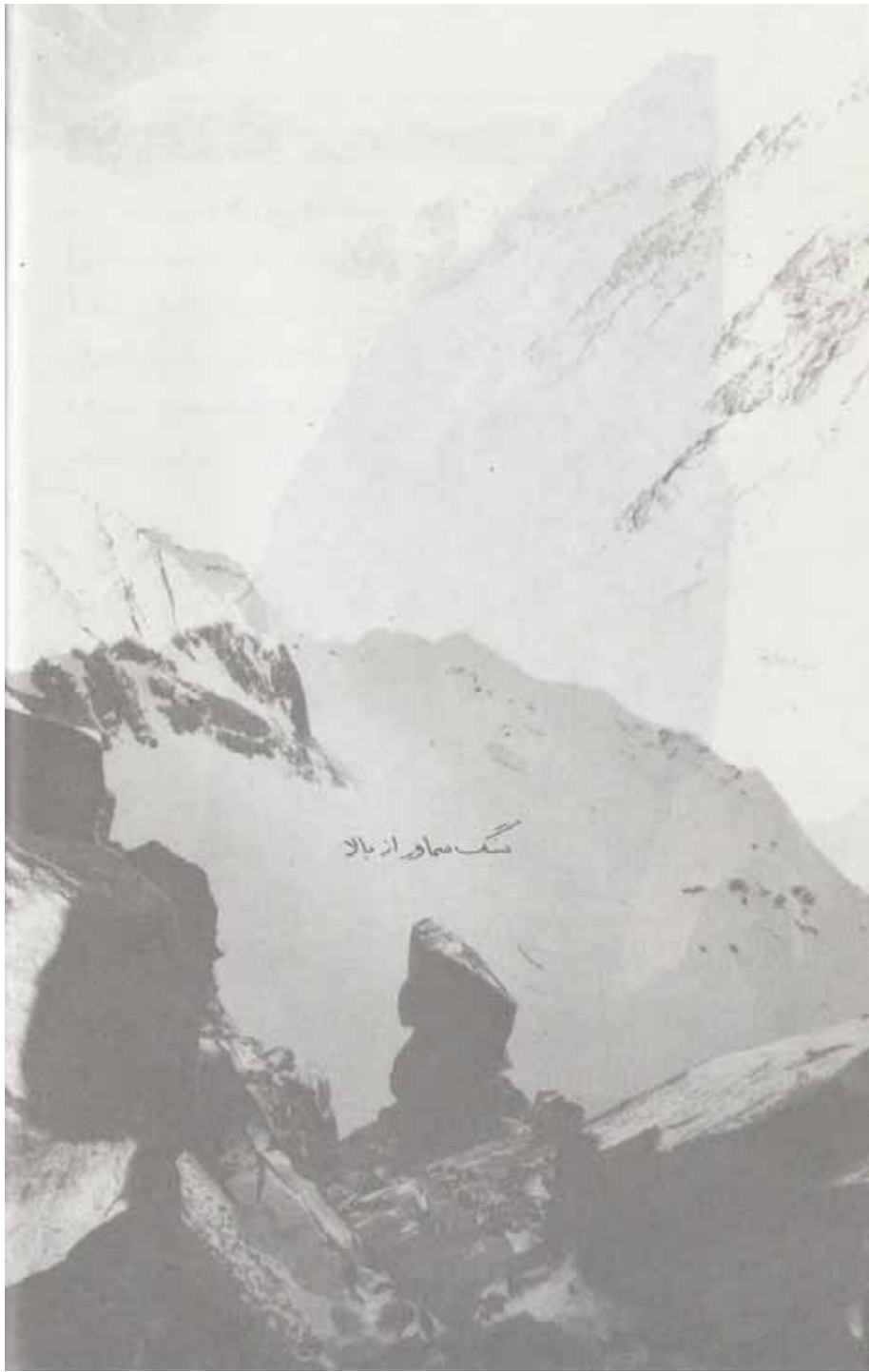
تاریک شده و با چراغ قوه اقدام به صعود نمودند. که پس از رسیدن به "خط الرأس بعلت خراب شدن چراغ قوه و طوفان شدید نتوانستند مسیر را بیابند. بنابراین تصمیم به فرود گرفتند. بعد از رسیدن به محلی نسبتاً مناسب چادر را باز نمودند و سه نفر به داخل آن رفتند و یک نفر از افراد بعلت تنگی جا تا صبح در فضای آزاد قدم میزد و گهگاه صورت خود را به داخل چادر کرده تا یخهای صورتش آب شود. درجه برودت هوا حدود ۳۵ درجه زیر صفر بود.

دوشنبه ۱۳۶۳/۱۱/۲۲

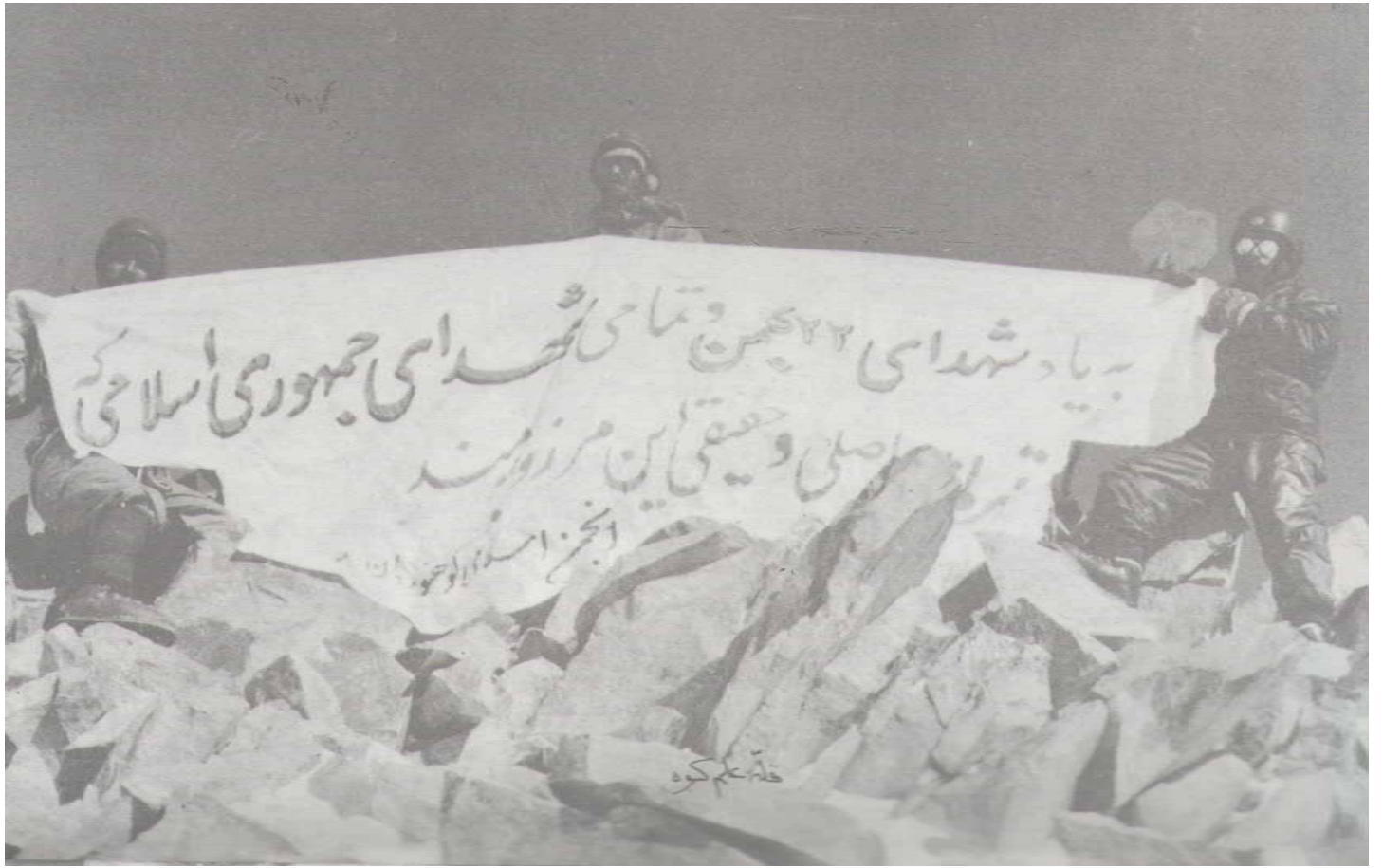
بالاخره سپیده دمید و افراد بر روی گرده کار را شروع کردند و در ساعت ۹/۴۵ صبح در هوای ملایم و آفتابی برای اولین بار قله "علم کوه" در زمستان از مسیر "گرده آلمانها" بوسیله کوهنوردان ایرانی صعود شد^{۲۶} طی تماسی که از قله با پائین گرفته شد طبق نظر علی محمد فرضی تصمیم بر آن شد که از مسیر "دره هفت خوان" به پائین برگردند. افراد روی قله پس از گرفتن فیلم و عکس و نصب پرچم یادبود به پناهگاه "خرسان" رفتند و مدت سه ساعت در آنجا به استراحت پرداختند و سپس به پائین آمدند.

برای کمک به افراد تیم حمله، چهار نفر از افراد تیم به طرف یخچال غربی سرازیر شدند که در ساعت یک بعد از ظهر به اول دره "هفت خوان" رسیدند. بعلت آنکه بچهها دیر کرده بودند افراد تیم کمک اقدام به بازگشت کردند که در حین برگشت در مقابل یخچال غربی ناگهان بچهها را دیدند که در حال آمدن هستند. تیم کمک فوراً سرازیر

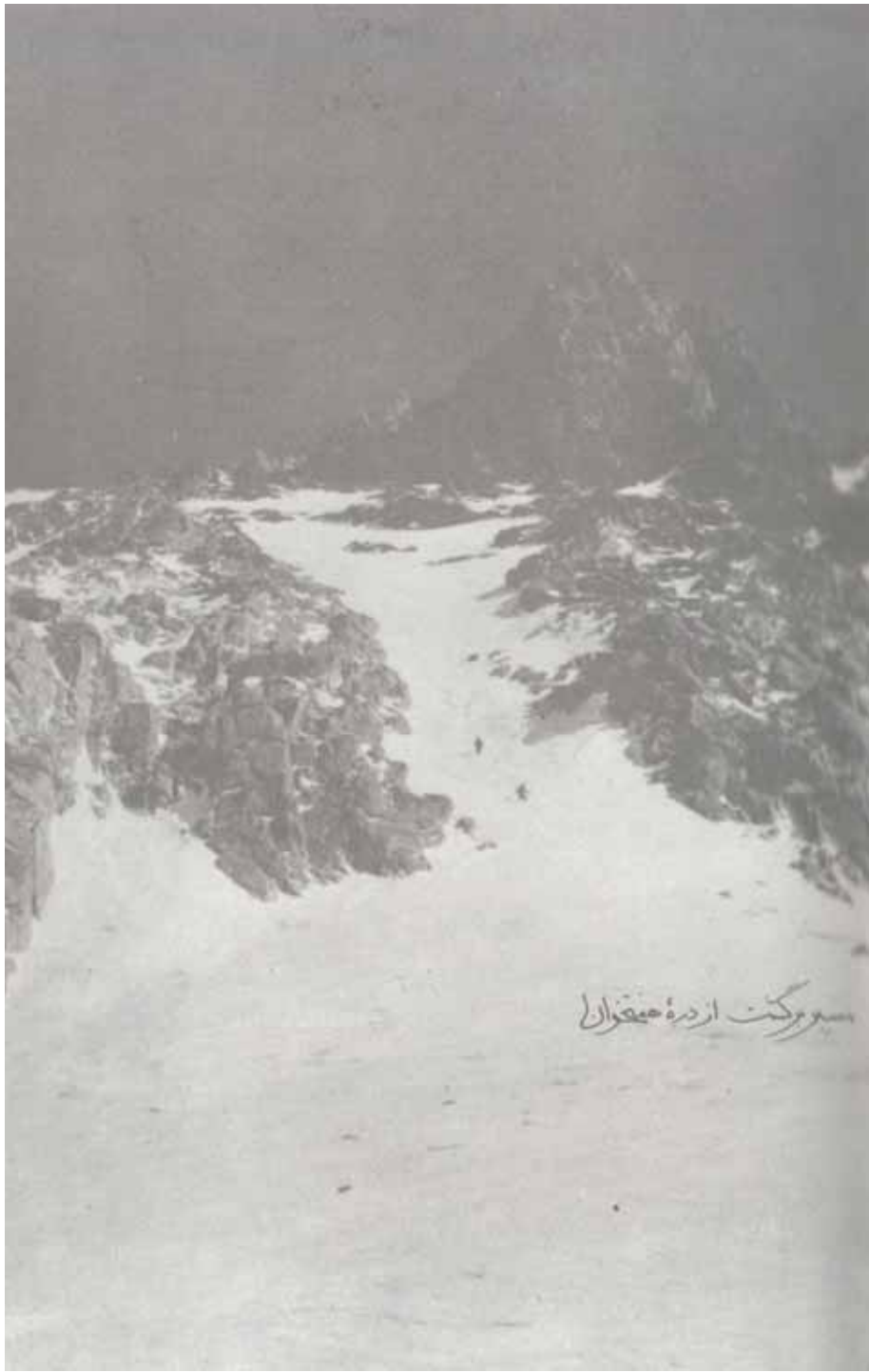




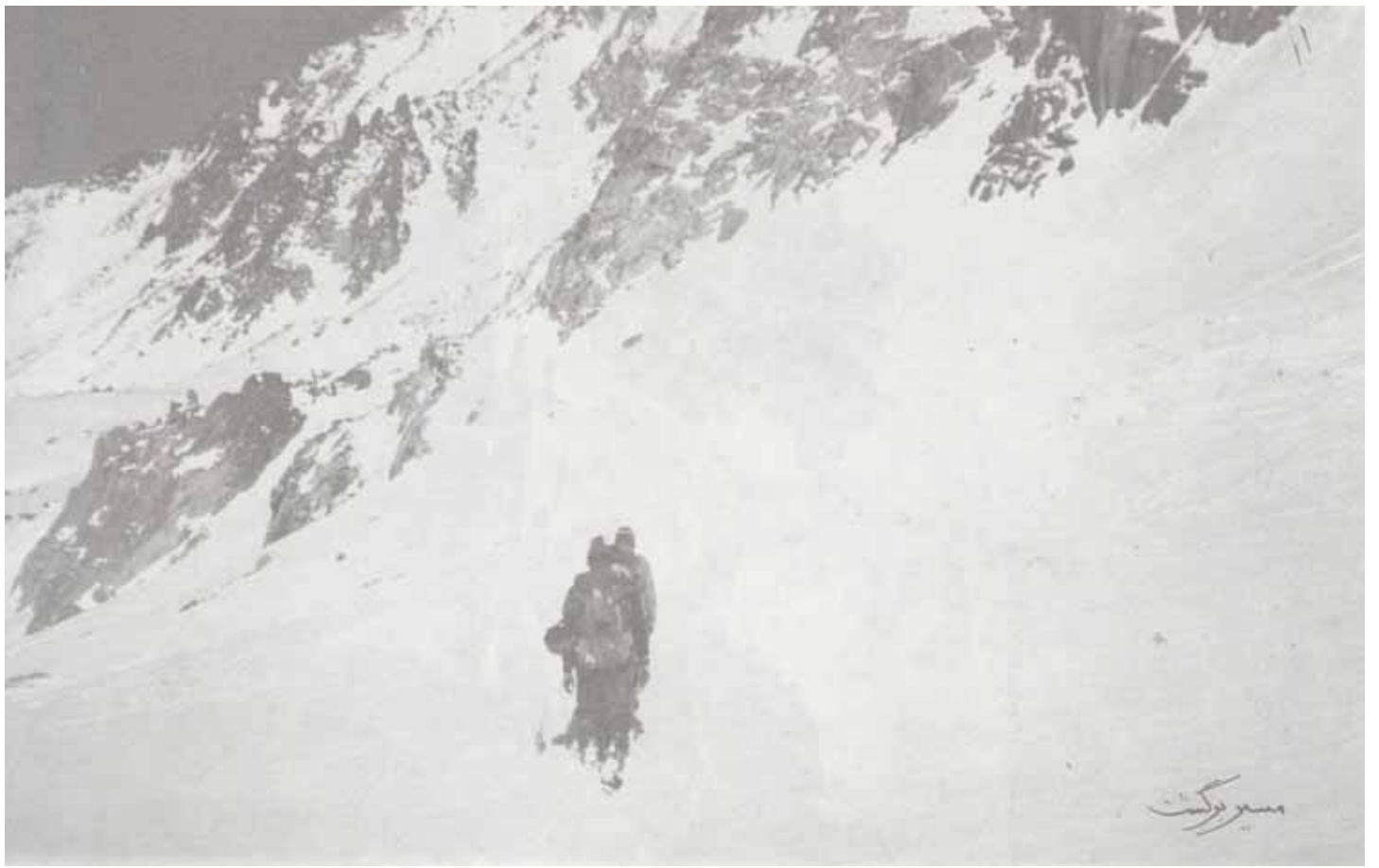
سنگ معمار از بالا

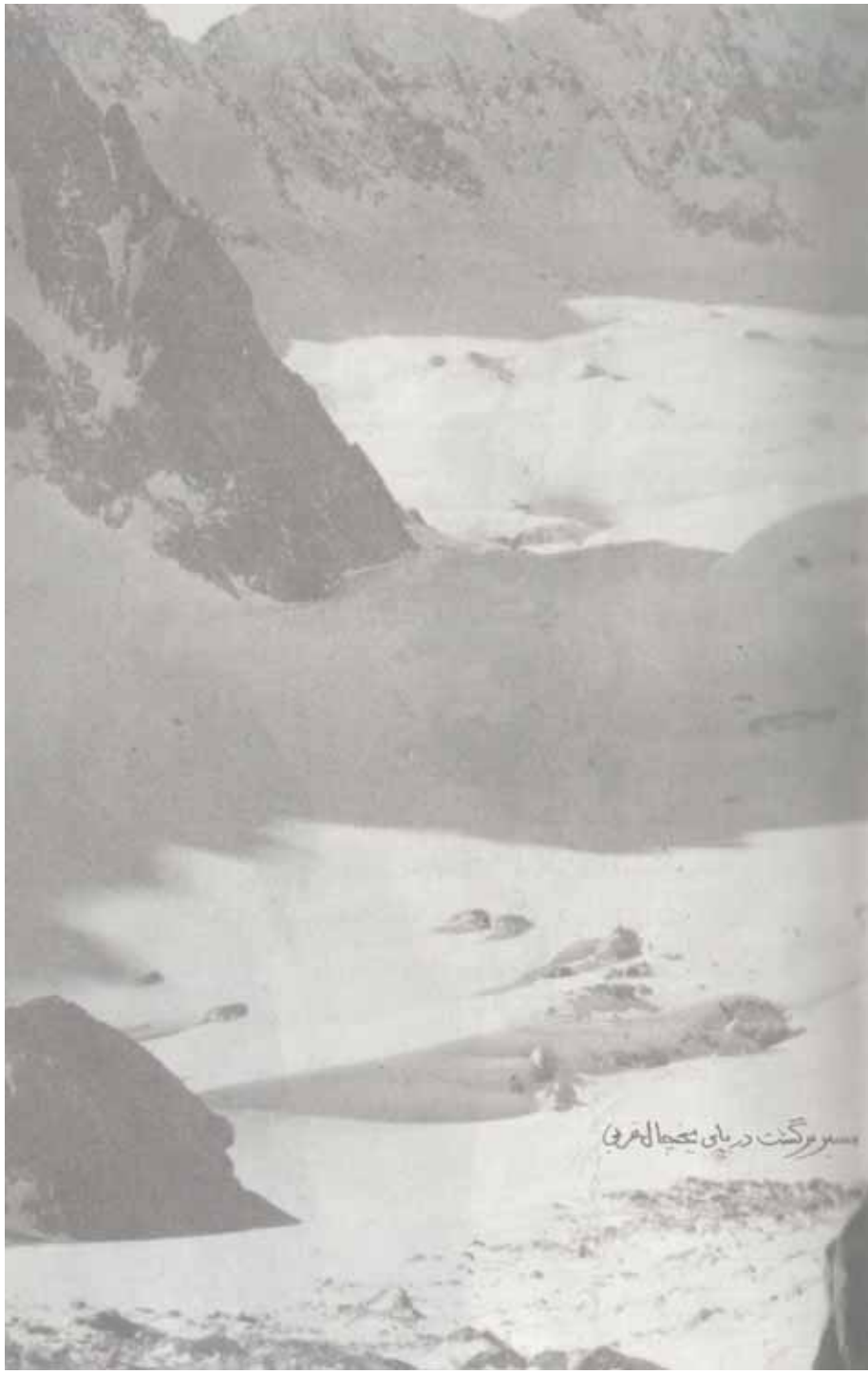






سررکت از دره حفقوان







شدند و خود راه تیم حمله رساندند هنگام رسیدن به هم اشک شوق از چشمان همه جاری بود پس از دیده بوسی کوله‌های آنها را گرفته همگی به راه ادامه دادند. این افراد پس از رسیدن به روی گردنه به " علم چال " آمدند و کلیه وسائل را جمع کردند و به " سرچال " مراجعت کردند. وسائل کمپ شماره یک را افراد دیگری جمع آوری نمودند و به " سرچال " آوردند. پس از رسیدن تیم حمله به " سرچال " با شربت از آنها پذیرائی شد و بمناسبت صعود قله جشنی در پناهگاه ترتیب داده شد. پس از صرف شام همگی کلیه وسائل را جمع کردیم تا فردا بتوانیم بطرف " رودبارک " حرکت کنیم ، در این شب موجی از شادی و شغف همه را فرا گرفته بود .

سه شنبه ۱۳۶۳/۱۱/۲۳

ساعت ۵ صبح پس از ادای نماز و صرف صبحانه وسائل را آماده ساختیم در ساعت ۸ صبح جهت عکسهای یادبود به روی تراس پناهگاه رفتیم و پس از اتمام عکسبرداری بطرف " رودبارک " عازم شدیم و تا مسافتی از راه توسط نفراتی از دو گروه بدرقه شدیم . در ساعت ۱۲/۳۰ به " اتاق سرا " رسیدیم که پس از خوردن ناهار و کمی استراحت در ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر به " رودبارک " آمدیم . در هنگام رسیدن به پناهگاه " رودبارک " بادبج گوسفند و گرفتن عکس و فیلم از ما استقبال شد





رئیس‌جمهوری افغانستان

بناگاه مدرسیون کجھوردی جھیری اسلامی ایران - روز پارک

« استقبال اھالی از اھرادیم »

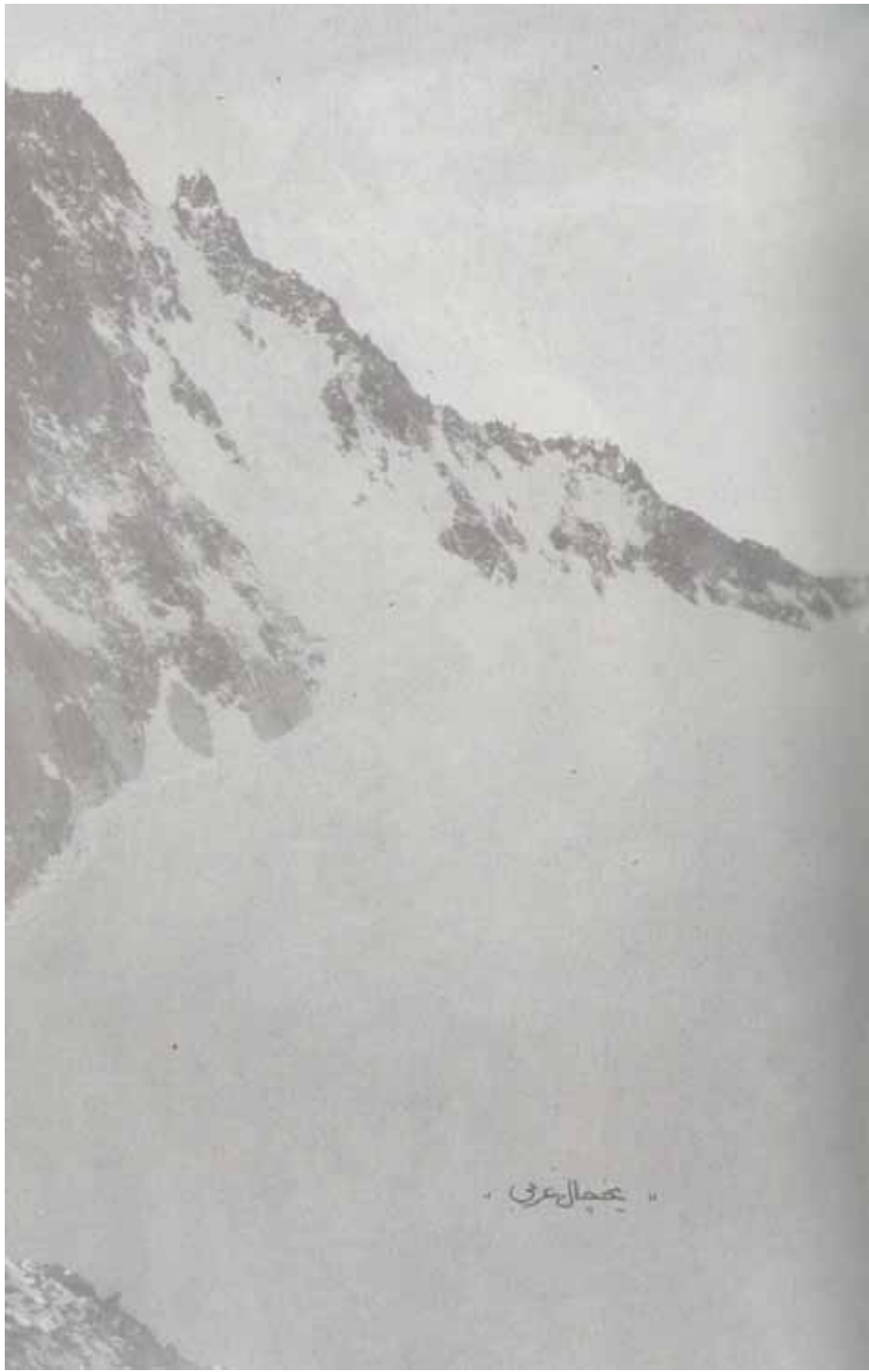




قمة خرمین شمالی و جنوبی

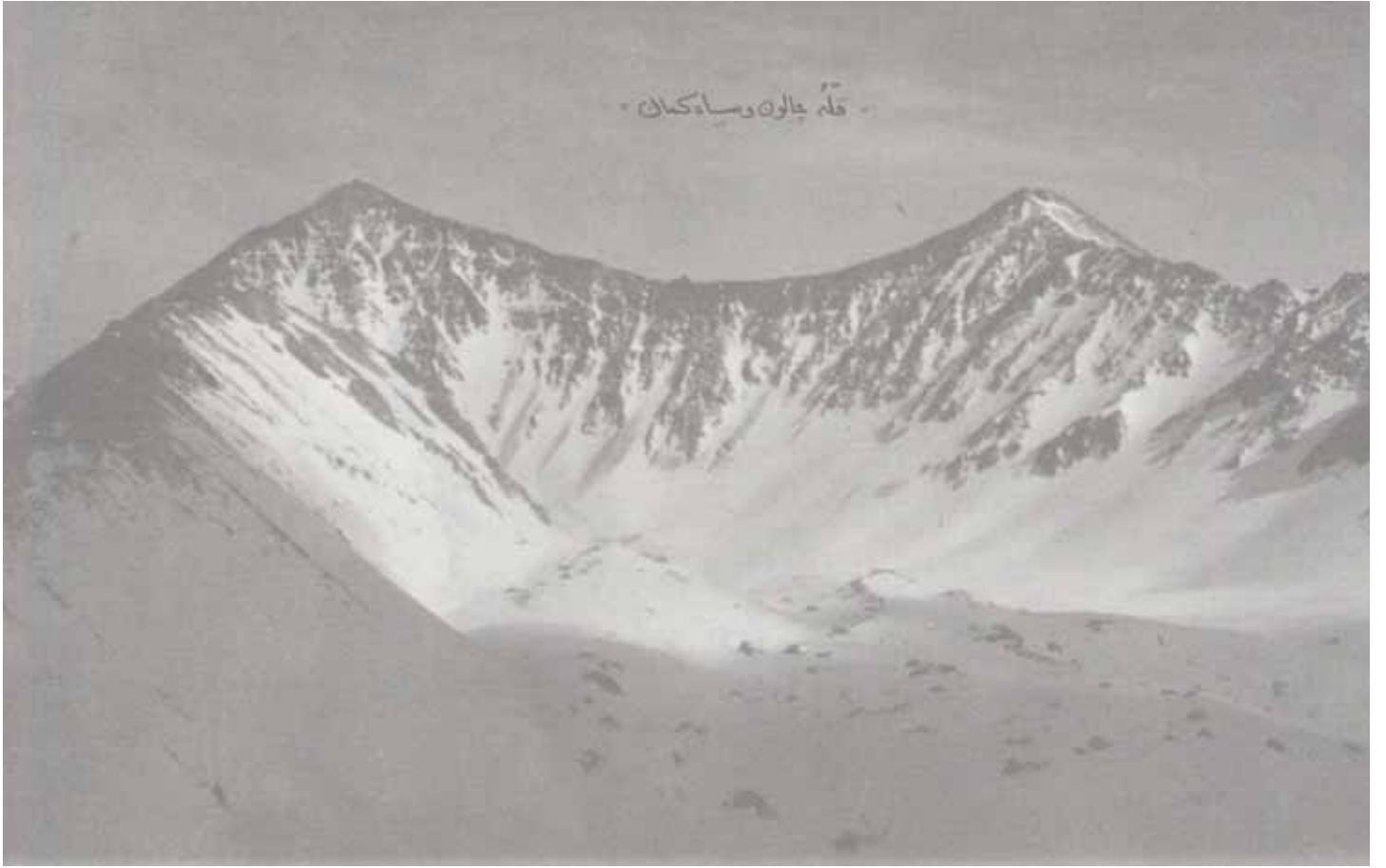
کله شاخه





جمال عري

قله جالون و سیاہ کمان

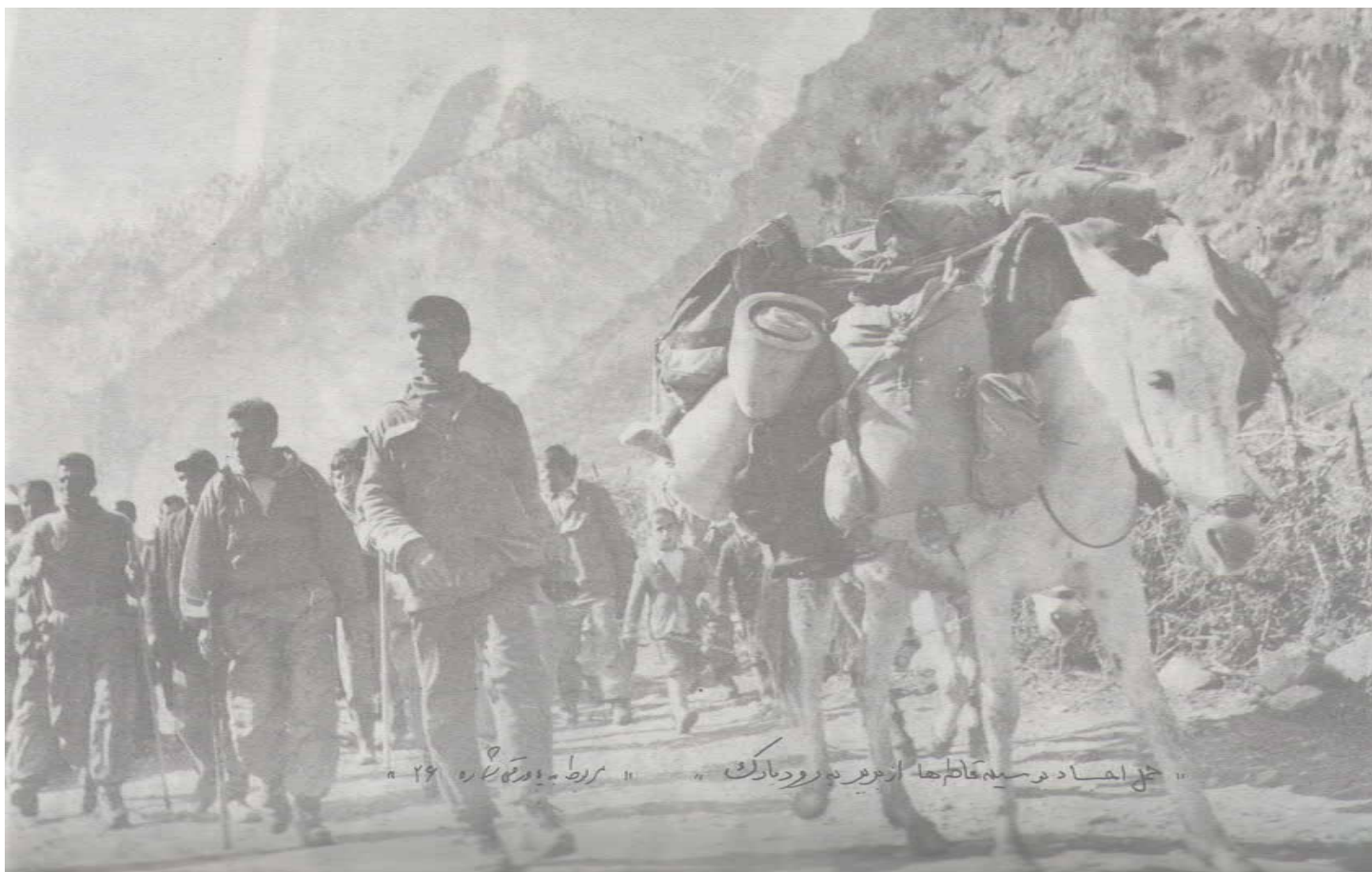






دیوارِ علم کوه

میں بہنِ رزاو



« خلی احمد در سینه قاطرها از جرمیده رودبارک » « مربوط به دوره قاجار ۲۶ »



مردود میاوری شماره ۲۶

« ایستاد رویین بر دوستی امانی رودبارک - ایستاد با ضروری مستحق شده اند »

پاورقی‌ها

(۱) انجام تدارکات در دوحمل اشکالات فراوانی را به همراه دارد .
الف : چون افراد تیم از هم دور هستند واز تهیه وسائل جمعی بی اطلاعند ، لذا بخاطر محکم کاری، وسائل اضافی را به همراه می‌آورند که این وسائل اضافی هیچگونه کمکی در امور ندارد بنابراین سرپرست تدارکات باید چند روز قبل از انجام برنامه ، ریزوئال تهیه شده را به همه افراد تیم اعلام کند .
ب : بسته بندی وسائل : بدلیل اینکه وسائل در دو محل بسته بندی گردیده اند، تهیه یک وسیله ازمیان بارها مستلزم اتلاف وقت زیادی است . اگر وسائل در یک نقطه بسته بندی ، لیست برداری و شماره گذاری شود ، امکان دسترسی به وسائل در کمترین وقت لازم میسر خواهد بود .

(۲) رودبارک :

قصه‌ای که در استان مازندران ، بخش کلاردشت واقع است . مسیر این ده از مرزن آباد (بیست و پنج کیلومتری چالوس) به سمت غرب منشعب میشود که پس از گذشتن از آبادی "حسن کیف " به رودبارک می رسد .

(۳) چاروادار :

به افرادی گفته میشود که دارای تعدادی مال از قبیل قاطر واسب برای حمل بار باشند و از این راه امرار معاش کنند .

(۴) قرارگاه رودبارک :

پناهگاه بزرگ و مجهزی است که پس از پیروزی انقلاب توسط
فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران ساخته شد
و اکنون مورد استفاده کوهنوردان و عموم میباشد .

(۵) وندارین :

صحیح آن " اندرین کوه " میباشد . محلی است که در ریشه کوه
قرار دارد و همچنان در این محل راه به دو قسمت سرچال و حصارچال
تقسیم میشود .

(۶) پل کلجاران :

این پل جداکننده راه است که راه طرف راست به کلجاران و راه طرف
چپ رودخانه به سرچال منتهی میشود .

(۷) سره کمر :

محلی از کوه که دارای پیچیدگی زیاد میباشد و شکار از داخل آن به
راحتی میگردد ، لیکن انسان نمیتواند از آن محل عبور کند .

(۸) آب پیت سرا :

چون از این محل تا پناهگاه سرچال آب نمی باشد بدین خاطر به آن
آب پیت سرا میگویند .

(۹) لیزونک :

محلی که دارای شیب تندی است و سنگهایی که توسط یخچال به
جلو رانده میشوند در این محل به پائین می غلطند .

(۱۰) کاسه زیرپناهگاه :

در قسمت شمالی پناهگاه ، قله سیاه قوک شمالی واقع گردیده که کاسه آن دارای بهمن است و از طریق قیف از پائین پناهگاه سرازیر میشود و به اول "لیزونک" میرسد .

(۱۱) پناهگاه سرچال :

این پناهگاه محل استراحت کوهنوردان است و به عنوان کمپ اصلی به حساب میآید . زیرا از این پناهگاه ، صبح زود میتوان به قله صعود کرد و عصر به پناهگاه رسید . این پناهگاه توسط فدراسیون کوهنوردی ساخته شده و در سال ۵۲ تجدید بنا گردیده است .

(۱۲) اتاق سرا :

آخرین آبادی که از قدیم در ده وجود داشت .

(۱۳) "اکاپل" : پل

(۱۴) کنگلک :

گیاهی است با گلی دایره‌ای شکل برنگ قرمز که تیغهای تیزی سطح آنرا پوشانده است . و چون در این منطقه از این گیاه فراوان است ، این محل به کنگلک معروف است .

(۱۵) گزنه نای :

محلی است که در آن گیاهی بنام "گزنه" می روید که در صورت تماس با بدن ، موجب خارش پوست میگردد .

(۱۶) تیم حمله :

بخاطر برخی حساسیت های نهفته در یک برنامه زمستانی ، نیازی به مشخص شدن تیم حمله ، قبل از موعد مقرر نیست . زیرا نفرات حمله اگر چه قبل از برنامه تقریباً مورد نظر میباشند ، لیکن انطباق و هماهنگی با شرایط موجود در منطقه یکی از فاکتورهای اساسی تیم حمله میباشد . دیگر اینکه مشخص شدن تیم حمله احیاناً این امر را بدنبال دارد که این نفرات بدلیل از قبل مشخص شدنشان خود را از کارهای جمعی تا روز نهائی کنار بکشند ، چراکه ب فکر ذخیره نیرو و توان خود هستند . در مجموع میتوان گفت که این کار ، یکدستی و همکاری جمعی تیم را برهم میزند . البته این حفظ توان تیم حمله در هر شرایط از وظایف اساسی سرپرست باتجربه است . بطوریکه این امر موجب ناهنجاریهای ذکر شده نگردد و در عین حال تیم ، حالت جمعی و تعادل خود را حفظ کند .

(۱۷) گلومکسی :

"گلوم" در زبان محلی بمعنی طویله و "سی" بمعنی یال و در مجموع به طویله بنا شده در روی یال اتلاق میشود .

(۱۸) کشتی سنگ :

سنگ بزرگی است ماننسد کشتی .

(۱۹) علیمحمد فرضی

متولد سال ۱۳۱۸ در رودبارک است . او متاهل دارای شش فرزند

میباشد که شغل اصلی اش سنگ شکنی است . وی کوهنوردی را از سال ۱۳۴۱ آغاز نموده و به عنوان راهنمایه کوهنوردان یاری میرساند .

(۲۰) اتاق برفی :

اتاقی است که از برف میسازند و در آن زندگی میکنند .

اتاق برفی بلوکی : در این شیوه با استفاده از اره یا وسائل برنده دیگر قسمتهای برف فشرده را بصورت مکعب مستطیل بریده و بر روی هم بنا میکنند ، که نمونه بارز این کار ، خانههای اسکیموها میباشد .

اتاق برفی حفره‌ای : بصورت تونلی این اتاق برفی در قسمتهایی از برف ایجاد میشود که طول و عرض و ارتفاع آن زیاد است . و نحسوه ساختن آن بدین صورت است که : با حفره‌ای کوچک جهت درب و سمت مخالف برفهارا خالی میکنند . این اتاق برفی باید یک روزنه جهت عبور هوا از بالا داشته باشد برای ایجاد این نوع اتاق برفی نباید جایی را انتخاب نمود که یک دیوار آن سنگ باشد ، زیرا بدلیل افزایش گرما در داخل و تفاوت دمای سنگ و برف ، باعث ریزش سقف اتاق برفی میگردد .

(۲۱) رسول نقوی :

متولد سال ۱۳۳۰ و ساکن رودبارک است . او متاهل و دارای دو فرزند میباشد . و از اوان کودکی زندگیش را در کوه سپری کرده و بعنوان راهنما به کوهنوردان یاری میرساند .

(۲۲) گروه مشترک :

متشکل از تنی چند از کوهنوردان گروه آرش، اراک و چند نفر از کوهنوردان آزاد تهران که جمعا ۱۳ نفر بودند .

(۲۳) صعود گروه سوم : کوهنوردان گروه دماوند بودند ، که به قصد صعود قله از مسیر سیاه سنگها به منطقه آمده بودند ولیکن موفق نشدند .

(۲۴) طناب ثابت :

طناب ثابت هائی که تیم ما بر جا گذاشت ، بخاطر این بود که گروه مشترک بتواند جهت صعود از آنها سود ببرد .

(۲۵) سنگ سماور :

سنگی که از دور شبیه سماور است .

(۲۶) این صعود برای اولین بار در زمستان انجام شد ولیکن لهستانیها که در اسفند ۱۳۵۵ جهت صعود دیواره به منطقه آمده بودند ، بر اثر شکست در فروردین ۱۳۵۶ قله را از مسیر گرده آلمانها صعود نمودند . ولیکن در سالهای قبل و بعد از تاریخ فوق فعالیتهائی بر روی گرده آلمانها توسط کوهنوردان ایرانی صورت گرفته که بذکر آنها میپردازیم .

سال ۱۳۴۸

در این سال نه نفر از کوهنوردان جهت صعود قله علم کوه از مسیر گرده آلمانها عازم منطقه میگرددند ، لیکن بدلیل ریزش بهمن که باعث مرگ ۲ تن از اعضای تیم به اسامی فریدون نجاح و احمد فرزین نیا گردید ، برنامه به شکست انجامید . اجساد این دو تن بعد از سه هفته توسط ۱۴ نفر از

اهالی رودبارک به سرپرستی صفر تقوی و علیمحمد فرضی از علم چال به رودبارک حمل گردید. اسامی افراد محلی عبارت بودند از:

- ۱ - علی حمیدی
- ۲ - حیدر حمیدی
- ۳ - محرمعلی فرضی
- ۴ - صفر بگریان
- ۵ - رفیععلی بگریان
- ۶ - مهرعلی نقسوی
- ۷ - امیرقلی خالقی
- ۸ - فاضل ربیعی
- ۹ - علیرضا رفیع نژاد
- ۱۰ - عطاءالله تهمتن
- ۱۱ - ابوالفتح بوذری
- ۱۲ - زمان جوادی
- ۱۳ - قدیر ربیع پور
- ۱۴ - مفید همتی.

سال ۱۳۴۹

در زمستان این سال نیز گروه دیگری جهت صعود گرده آلمانها بدنبال برنامه سال گذشته وارد منطقه میشوند که اینبار موفق شده مسیر علم چال به سرگردنه را از کف یخچال باز نماید، لکن بعلت کمبود وسائل فنی موفق به صعود گرده نمیشوند. چراکه اکثر وسائل فنی گروه برای صعود تا سرگردنه بکار گرفته شده بود.

سال ۱۳۵۸

در این سال برای صعود گرده تیمی وارد منطقه شده که با تلاش فراوان به ابتدای دو رکابی رسیده ولیکن بخاطر سرمای زیاد راه بازگشت را در پیش میگیرند.

خلاصه گزارش

دوشنبه ۱۳۶۳/۸/۷ عزیمت و حمل بار به "رودبارک"

سه‌شنبه ۱۳۶۳/۸/۸ تهیه لوازم و صحبت با چارواداران جهت بردن بار به "سرجال"

چهارشنبه ۱۳۶۳/۸/۹ عزیمت به "سرجال" و بردن تدارکات

پنج‌شنبه ۱۳۶۳/۸/۱۰ بردن وسایل فنی از "سرجال" بروی گرده

جمعه ۱۳۶۳/۸/۱۱ حرکت به سمت "رودبارک"

شنبه ۱۳۶۳/۸/۱۲ حرکت از "رودبارک" به تهران

۱۳۶۳/۸/۲۳ اعزام مرحله دوم تدارکات از تهران به "رودبارک"

۱۳۶۳/۸/۲۴ حمل تدارکات مرحله دوم از "رودبارک" به "سرجال"

۱۳۶۳/۸/۲۵ حرکت از "سرجال" به "رودبارک"

۱۳۶۳/۸/۲۶ حرکت از "رودبارک" به "تهران"

۱۳۶۳/۱۱/۴ عزیمت تیم از "تهران" به "رودبارک"

۱۳۶۳/۱۱/۵ ماندن در "رودبارک"

۱۳۶۳/۱۱/۶ حرکت از "رودبارک" تا "وندارین"

۱۳۶۳/۱۱/۷ حرکت از "وندارین" تا "کشتی سنگ"

۱۳۶۳/۱۱/۸ حرکت از "کشت سنگ" به پناهگاه "سرجال"

۱۳۶۳/۱۱/۹ حرکت به "علم چال"، "زدن" "اناق برفی"، "زدن کبک یک بر روی گرده"، ماندن افراد در روی گردنه و "علم چال"

۱۳۶۳/۱۱/۱۰ برگشت از گرده به سمت "علم چال"، مراجعت به "سرجال"، اعزام تیم به "علم چال" جهت ماندن (هوا خراب)

- ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ برگشت تیم از " علم چال " به " سرچال " (هواخراب)
- ۱۳۶۳/۱۱/۱۲ اقامت در " سرچال " بعلت هوای خراب
- ۱۳۶۳/۱۱/۱۳ اقامت در " سرچال " بعلت هوای خراب
- ۱۳۶۳/۱۱/۱۴ اقامت در " سرچال " بعلت هوای خراب
- ۱۳۶۳/۱۱/۱۵ اقامت در " سرچال " بعلت هوای خراب
- ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ اقامت در " سرچال " بعلت هوای خراب
- ۱۳۶۳/۱۱/۱۷ اقامت در " سرچال " بعلت هوای خراب
- ۱۳۶۳/۱۱/۱۸ حرکت به " علم چال " ، مرمت " اتاق برفی " واقامت در آن
- ۱۳۶۳/۱۱/۱۹ حرکت از " علم چال " به سمت گرده ، نصب طناب ثابت
تابالای سرکابی
- ۱۳۶۳/۱۱/۲۰ بعلت هوای خراب کاری انجام نشد
- ۱۳۶۳/۱۱/۲۱ اقدام به صعود گرده توسط تیم حمله در ساعت ۱۲ ،
بیواک در نزدیکی خط الرس
- ۱۳۶۳/۱۱/۲۲ صعود قله " علم کوه " ، برگشت از دره " هفت خوان " ،
اعزام تیم کمک به تیم حمله ، جمع کردن وسائل روی گرده وانتقال آنها
به " سرچال " . جمع آوری وسائل " علم چال " وانتقال به " سرچال "
- ۱۳۶۳/۱۱/۲۳ حرکت از " سرچال " به " رودبارک "

لیست تدارکات

ندارکات برنامه در مدت ۲۰ روز :

۴ کیلو	آرد	۶۰ کیلو	گسوت
۲۰ رول	دستمال کاغذی	۷ بسته	جای نینون
۶ بسته	مربا انزالو	۱ کیلو	جای مینوی
۲۰ بسته	پاوری سوپ	۲۵ کیلو	سسوج
۳ کیلو	آلبو	۳۰ بسته	مربا و عمل
۲ بسته	قرص کلوز	۳ کیلو	گسوت
۱۶ بسته	سنگوت	—	کرید و رنگ
۷ کیلو	چغندر	۱۰ کیلو	سبب زمینی
۲ عدد	اره	۲ کیلو	عدس
۳۰ عدد	کسروس	۲۰۰ عدد	نان
۲۰ لیتر	نقد	۱۶ عدد	دند بلاستی
۱۰ کیلو	فند	۶ عدد	سنگه بلاستی
۲ عدد	گسول گاز	۵/۱ کیلو	لبو صافی
۱۰ عدد	گسرد فوریه جوتا	۵/۱ کیلو	ساخت
۲۰ عدد	گسرد دانه بادامجان	۲ بسته	گسه زباله
۱۵ عدد	سینور صیفی	۲ بسته	گسه فردر
۱ بسته	زغون زمین	۵/۳ کیلو	سیرما
۲۰۰ متر	شباب بلاستی	۲۰ کیلو	سیرام
—	تصع	۳۰ عدد	گسوت
—	اسلاید	۳ عدد	گسوتونما
—	شام مکانی	۸ کیلو	گسره
—	فیلم سوز هفت	۱ کیلو	تاک پونفال
—	شباب مصعالی	۱۶ عدد	گیت گت
—	سج	۵ کیلو	کاکانو خالی
—	تارابن	۲ کیلو	ارمه
—	رگسب	۵/۲ کیلو	سیره
—	پومسار	۲ کیلو	بادام
—	خست فرود	۱ کیلو	بسته
—	چکری	۲ کیلو	بوت جنگ
—	—	۲ کیلو	نکلات
—	—	۲۰۰ گرم	گل گورمان
—	—	۲ کیلو	کسپ
—	—	۲ کیلو	رب گسوج

خرج کل برنامه ۷۰۰۰۰۰۰ ریال

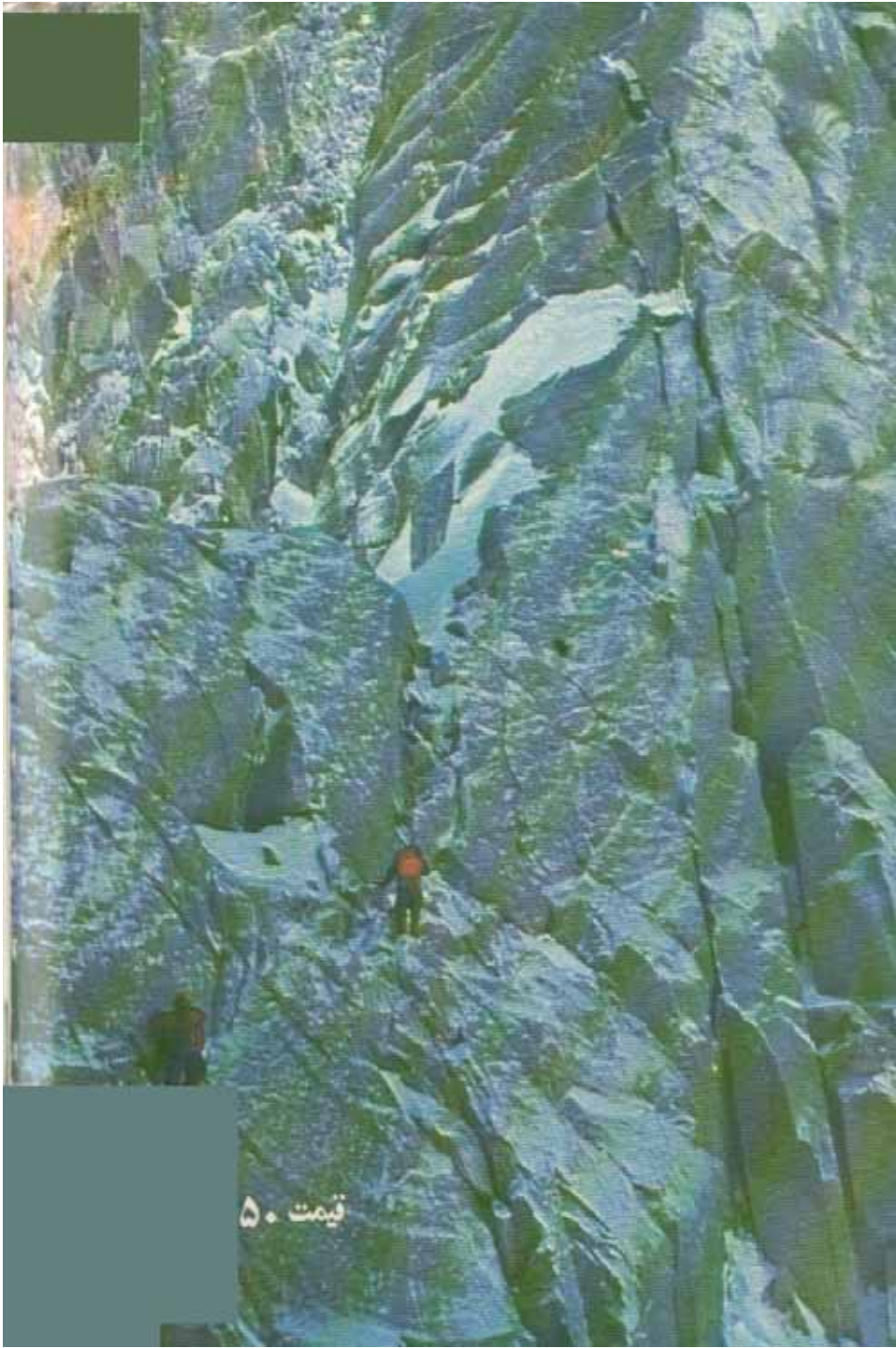
توضیحات :

- ۱) سیب‌زمینی‌های خلال‌شده را ابتدا در روغن سرخ‌کردیم و سپس در دبه های پلاستیکی ریختیم تا در مقابل سرمای منطقه یخ نزنند .
- ۲) لپه و عدس را پس از پختن در حدی که آب آن کشیده شود در دبه ها ریختیم .
- ۳) نانهای لواش را ابتدا در معرض هوا قرار دادیم تا اینکه کمی خشک شود سپس در کاغذ پیچیدیم بطوریکه در بین هر قطعه نان یک قطعه کاغذ قرار بگیرد سپس آنها را درون کیسه فریزر جا دادیم .
- ۴) بشکه های پلاستیکی نیز به این منظور تهیه شد که مواد غذایی و وسایل فنی درون آن از دندانهای تیز موشها در امان بماند .

مدیر ایستگاه لاجپورک : محمد شریف - حیدر علی - فیض علی - بکر محمد - لیاقت علی - سید آقا علی - لاجپورک
مدیر ایستگاه لاجپورک : حسن پور - حیدر علی - برکت علی - صادق آقا علی - علی لاجپورک (راهنما) - جمیل محمد علی (راهنما)

عکاس : سعید علی





تهیه کننده نسخه الکترونیکی: سید جلیل سعیدی نیا

منتشر کننده: سایت کوه نیوز www.koohnews.ir